



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یوم سه شنبه ۲۶ مهر ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۴۵

جلسه ۱۹

غائبین با اجازه - آقایان: علی خان اعظمی - میرزا علی
حق نویس - آقامیرزا هاشم آشتیانی.
غائبین بی اجازه - آقایان: محمد ولی خان امیدی - میرزا

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر به ریاست آقای تدین
تشکیل و صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و چهارم مهرماه قرائت
و تصویب شد.

سید مهدی معتمد - آقا سید زین العابدین فومنی - میرزا ابراهیم خان قوام - محمد هاشم میرزا افسر - میرزا حسن آقا آقا زاده سبزواری - غلامحسین میرزا سمعود - آقا سید حسن مدرس.

دیرآمدگان با اجازه - آقایان: حاج آقا اسمعیل عراقی - میرزا محمد تقی بهار.

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: میرزا سید مهدی خان فاطمی - میرزا عبدالباقی جمشیدی سازندارانی - میرزا علی اکبرخان داور.

آقای احتشام زاده شرحی راجع بلزوم اصلاح امور اقتصادی و قضائی و بلدی و مخصوصاً لزوم تشکیل انجمنهای بلدی تقریر و تقاضا نمودند آقایان نمایندگان توجهی نموده و اصلاح قانون بلدی زودتر به تصویب مجلس برسد.

آقای نوبخت شرحی راجع بتعدی و خودسری حکومت کازرون تقریر و تقاضا نمودند از طرف دولت به مرکز جلب و به عملیات مشارالیه رسیدگی شود.

آقای وزیر مالیه در جواب آقای اعتبار راجع به جلوگیری از حمل شمشهای طلا که جدیداً برای حمل به خارجه به پست تسلیم شده اظهار نمودند بجز تصویب قانون تلگرافاً به تمام نقاط دستور داده شده و از خروج طلا و نقره جلوگیری خواهند نمود.

آقایان عباس میرزا و خطیبی تقاضا نمودند به وزارت داخله تذکر داده شود برای جواب سؤالات ایشان حاضر شوند.

آقای آقا سید میرزا علی عمادی راجع بلزوم اصلاح امور اقتصادی شرح مفصلی تقریر و پیشنهاد نمودند کمیسیون به نام کمیسیون اصلاحات اقتصادی مرکب از ۹ نفر از آقایان نمایندگان تشکیل و نتیجه مطالعات خود را به مجلس راپورت دهند و پیشنهاد ایشان به اضافه طرح قانونی که از طرف آقای کی استوان راجع به معادن تقدیم شده بود به کمیسیون مبتکرات ارجاع شد.

طرح قانونی بامضاء جمعی از آقایان نمایندگان راجع باصلاح ماده بانزده نظامنامه داخلی مشعر به تکلیف کمیسیون پست و تلگراف و فوائد عامه با قید دو فوریت قرائت و چون مخالفی نبود نسبت به فوریت اول و دوم جداگانه اخذ رأی شده تصویب و در اصل موضوع آقای شیروانی عقیده شان این بود کلمه صحیه پس از (کمیسیون داخله) اضافه شود.

آقای یاسائی پیشنهاد نمودند بجای کمیسیون خارجه کمیسیون امور خارجه و بجای کمیسیون قوانین مالیه کمیسیون مالیه نوشته شود و پیشنهاد ایشان بدو قسمت تجزیه شده بدو به قسمت اول یعنی اضافه کلمه (امور) قبل از خارجه رأی گرفته تصویب و بعد نسبت به قسمت دوم راجع به حذف کلمه قوانین قبل از مالیه اخذ رأی بعمل آمده رد شد و پس از آن نسبت به ماده مزبوره باصلاح فوق الذکر رأی گرفته تصویب و عده اعضاء کمیسیون پست و تلگراف شش نفر مقرر گردید.

آقای افشار مخیر شعبه اول راپورت شعبه مزبور را نسبت به نمایندگی آقای ثقة الاسلامی که در جلسه قبل قرائت شده بود مسترد و نسبت به نمایندگان تبریز هر یک راپورت جداگانه تقدیم و هفت فقره از خبرهای مزبور راجع به نمایندگی آقایان ثقة الاسلامی

جهانشاهی - نصرت الله خان - اسکندری - محمدولی میرزا - حاج میرزا آقا فرشی - دکتر رفیع خان و عدل قرائت و نسبت به فقره اول و دوم چون مخالفی نداشت رأی گرفته تصویب و چهار فقره بعد بمناسبت مخالفت آقای زوار و فقره اخیر بمناسبت مخالفت آقایان آقا سید یعقوب - اعتبار - دشتی و زوار موکول به جلسه دیگر شد. لایحه راجع به پرداخت دودوازدهم بودجه سنه ماضیه برای استخراج مهرماه و آبان بقید فوریت قرائت و آقایان آقا سید یعقوب و روحی با فوریت آن مخالف و آقای دادگر موافق بوده و نسبت به فوریت لایحه مذکور اخذ رأی شده رد و به کمیسیون بودجه ارجاع گردید.

در این سرفع جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله بیست دقیقه مجدداً تشکیل و دو فقره خبر از شعبه اول راجع به نمایندگی آقایان لیقوانی و جوان شیر از تبریز قرائت و نسبت به نمایندگی آقای لیقوانی چون مخالفی نداشت رأی گرفته تصویب و فقره اخیر بمناسبت مخالفت آقای بهار بجلسه دیگر موکول گردید.

ایضاً یک فقره راپورت از شعبه سوم راجع به نمایندگی آقای بنی سلیمان از شوشتر و توابع قرائت و در آن خصوص اخذ رأی شده تصویب گردید.

انتخاب اعضاء کمیسیونهای معموله شروع و آقایان طباطبائی و کیلی بحکم قرعه برای استخراج آراء معین و آقای رئیس اظهار نمودند عده از آقایان نمایندگان پیشنهاد نموده اند برای کمیسیون خارجه نه نفر انتخاب شود و چون مخالفی نبود قرار شد بهمین ترتیب رفتار شود.

راپورت کمیسیون بودجه راجع به تأسیس بانک رهنی مطرح و در ضمن شور کلی آقای عمادی بمناسبت دخالت دولت در کسب و تجارت مردم و آقای روحی بواسطه ذکر حق الحفظه مخالف بوده و آقای شیروانی مخبر کمیسیون اظهار نمودند مقصود دولت کسب و تجارت نیست و غرض رفاهیت طبقات ضعیف است.

آقای آقا سید یعقوب نیز موافق بوده و اظهار نمودند این مقدار حق الحفظه برای اجرة مقومینی است که در آن مؤسسه مشغول خدمت میباشند.

دخول در شور سواد تصویب و در ماده اول آقای نوبخت با ذکر سطر دوم و سوم مخالف بوده و بالاخره نسبت به ماده اول رأی گرفته تصویب شد.

در ماده دوم آقای احتشام زاده عقیده شان این بود به مستخدمین ادارات دولتی حق داده شود که باعتبار حقوق گذشته خود بتوانند از این مؤسسه استقراض نمایند.

آقای بهبهانی مقدار حق الحفظه را صدی شش و آقای میرزا یدالله خان صدی هفت و آقای احتشام زاده راجع به مستخدمین ادارات هریک اصلاحی پیشنهاد و هیچیک تصویب نگردید.

آقای حاج میرزا حبیب الله امین پیشنهاد نمودند بجای اجناس قابل فروش اجناس منقول نوشته شود.

آقای مخبر این پیشنهاد را قبول و آقای باسداد پیشنهاد نمودند مستقلات و اسلاکی هم که در دفاتر ثبت اسناد ثبت شده تا معادل

چهارصد تومان بوثیقه قبول شود و پس از قدری مذاکره نسبت به پیشنهاد مزبور اخذ رأی شده تصویب نگردید.

آقای ارباب کیخسرو نیز اصلاحی پیشنهاد آقای حائری زاده پیشنهاد نمودند ماده دوم با مجموع پیشنهادها به کمیسیون ارجاع و تجدیدنظر شود و برحسب تقاضای آقای مخبر ماده دوم بضمیمه پیشنهادات به کمیسیون مراجعه شد.

جلسه آتی به روز پنجشنبه بیست و هشتم مهرماه سه ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور آن بتیة دستور همین جلسه مقرر و مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد.

آقای آقا سید یعقوب اظهار نمودند قبل از بودجه سنه ماضیه

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید. صورت مجلس روز یکشنبه بیست و چهارم مهرماه را آقای ضیاء قرائت نمودند.

رئیس - آقای احتشام زاده. (اجازه)
احتشام زاده - قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای نوبخت. (اجازه)
نوبخت - عرض بنده هم قبل از دستور است.

رئیس - آقای اعتبار. (اجازه)
میرزا سید احمدخان اعتبار - قبل از دستور.

رئیس - آقای عباس میرزا. (اجازه)
عباس میرزا فرمانفرمایان - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای عمادی. (اجازه)
آقا سید میرزا علی عمادی - بعد از تصویب صورت مجلس.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)
آقا سید یعقوب - آقای مدرس را در صورت مجلس جزو

غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتی که بخاطر دارم ایشان ده روز اجازه مرخصی از تاریخ حرکت گرفته اند و تصویب هم شده فقط روز حرکت معین نشده بود و ایشان میبایستی فقط روز حرکتشان را اطلاع بدهند در هر حال ایشان اجازه دارند و باید غایب با اجازه نوشته شوند.

رئیس - تاکنون اطلاع نداده اند اگر اطلاع دادند که حرکت کرده اند این غیبت جزء آن ایام محسوب خواهد شد نسبت بصورت مجلس دیگر اعتراضی نیست؟

(گفتند: خیر)
رئیس - صورت مجلس تصویب شد، آقای احتشام زاده.

(اجازه)
احتشام زاده - بنده چند جلسه بود اجازه خواسته بودم که

قبل از دستور موضوع مهمی را بر عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم ولی متأسفانه موفق نشدم، قبل از اینکه عرض خود را بسمع مبارک آقایان محترم برسانم ناگزیرم که عرض کنم بنده بسهم خودم با انتظاراتی که ملت و مردم از حیث اصلاح اوضاع

کلمه (مطابق) ذکر شود و آقای فرشی سببی بر سوء تفاهمی که برای ایشان پیدا شده راجع به اینکه جهانشیر نیست و جوانشیر است تذکر داده اند چون جوانشیر نوشته شده بود سوء تفاهم ایشان رفع شد.

دیگر مخالفی نسبت به صورت مجلس نبود و صورت مجلس تصویب شد.

پنجشنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۰۵ ع ۲ / ۵

رئیس مجلس شورای ملی: سید محمد تدین

منشی: سید ابراهیم ضیاء منشی: میرزا حسین خان موثر

صورت مشروح مجلس سه شنبه بیست و ششم مهر ماه ۱۳۰۵ مطابق یازدهم ربیع الثانی ۱۳۴۵

اقتصادی مخصوصاً از مجلس شورای ملی دارند موفق نشده ام در این مدت که دوره ششم مجلس شورای ملی افتتاح یافته است خدماتی برای رفع بیچارگی و فقر و فلاکت آنها انجام بدهم...

آقا سید یعقوب - هنوز موفق نگذشته است.

احتشام زاده - البته هنوز هم موفق نگذشته است ولی تصور میکنم برای هیچیک از آقایان نمایندگان محترم با اطلاعاتی که

به بیچارگی حال موکلین خودشان و عموم افراد ملت دارند جای صحبت باقی نباشد. بنده شخصاً اظهار خجلت میکنم و حقیقتاً هر

وقت از مجلس خارج میشوم و بیرون میروم و اشخاصی را که بمن مراجعه میکنند می بینم و با آنها صحبت میکنم خجالت میکشم چون

برخلاف انتظار خودم و آنها در این مدت دو ماه و نیم که مجلس افتتاح یافته است موفق نشده ام خدماتی برای آنها بکنیم. بدبختی

سردم بقدری زیاد است که تصور میکنم ذکرش اسباب تصدیق خاطر نمایندگان محترم و توضیح اوقات خواهد بود چون از جهت

اوضاع اقتصادی بقدری مردم حالشان بد است که خیال میکنم روح در بدن آنها نیست و باصلاح ملت ایران مرده های متحرک

هستند و حق هم دارند، در قسمت عدالت متأسفانه با اینکه تقریباً بیست سال از عمر مشروطیت ایران میگذرد، هنوز ملت ایران لذت

عدالت را نچشیده است و البته نمایندگان محترم متوجه هستند و سعی خواهند نمود که قوانین موضوعه اجرا شود و عدالت در

مملکت تعمیم یابد، موضوع دیگری که بنده میخواستم به عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم یکی از گمشده های مشروطیت است

که خیال میکنم در اوضاع شهرها خیلی مؤثر باشد و آن انجمن های بلدی است. اوضاع بلدیة شهر طهران و مخصوصاً سایر نقاط ایران

را آقایان نمایندگان محترم همه دیده اند و بخوبی اطلاع دارند که فقط یک اسمی است، یک اداره دولتی تشکیل شده است و بجای

اینکه این اداره دولتی سعی کند امور بلد را از نقطه نظر ارزاق و صحیه و غیره اداره کند متأسفانه یک اداره شده سرباری بدبختیهای

سردم، در شهر طهران آقایان ملاحظه میکنند با تمام توجهی که از طرف دولت نسبت باسور صحی میشود کمتر اتفاق می افتد که روزی از خیابانها و کوچه ها عبور نمائیم و یک مناظر رقت آوری را

نبینیم که اشخاص فقیر باوضع فلاکت توی کوجه‌ها افتاده‌اند و ابدأ وسائلی برای معالجه و مداوای آنها فراهم نیست و متأسفانه یک کارخانه مرضی در سملکت و شهرها هست که آن انهار و مجاری میاه است هر قدر هم دقت در جلوگیری امراض بشود متأسفانه مجاری آب بمنزله ماشین و کارخانه‌ایست که میکرب امراض را تولید و زیاد و بهمه شهر منتشر میسازد و البته این یک مسأله مهمی است که باید خیلی زود اصلاح شود و همانطور که همکار محترم بنده آقای دکتر سنگ در چند جلسه قبل فرمودند عن‌قریب شاید در چندی بعد یک نفر زنده در سملکت ایران پیدا نشود. مسأله دیگر موضوع و سائل حمل و نقل طهرانست که متأسفانه بقدری بد است که هر ناظری را برقت در بیاورد. در شهر طهران و مرکز مملکت هنوز وسائل حمل و نقل طوری نیست که انسان بتواند در موقع مقرر خودش را بنقطه مقصود برساند و اگر شهر حقیقه مایه اقتضاح است و متأسفانه توجهی بان نمیشود همینطور سایر مسائل شهری که هر کدام بجای خودش خیلی اهمیت دارد، بنده یکی از مسائلی را که خیلی اهمیت میدهد و از نقطه نظر روح اخلاق ایرانی فوق‌العاده مؤثر است مسأله تریاک و انتشار آنست با اینکه در دوره سابق مجلس شورای ملی بر طبق ماده ۲۷۵ قانون مجازات عمومی مجازاتی برای استعمال کنندگان آن مقرر شده است ولی متأسفانه از طرف بلدی اقدام جدی برای رفع این کار نشده و روز بروز جوانان ما مبتلا باین سم مهلک میشوند و بنده خیلی بدبین هستم و بیترسم که در آتیۀ نزدیکی شاید همه اهالی باین مرض مبرم مبتلا شوند و بنده شخصاً علاقه مند هستم که این مسأله قابل توجه شده و سعی نمایند به هر وسیله که هست از اینکار جلوگیری شود باز یکی از مسائلی که هیچ طرف توجه بلدی نیست این است که بلدی ما مثل این است که در شهر طهران هم تبعیض میکند، اگر آقایان از قسمت جنوب شهر طهران عبور نمایند تصور میکنند که اصلاً بلدی آنجا را جزو شهر طهران نمیداند و ابدأ در تنظیف و روشنائی آنجا اقدامی نمیکند و اگر بر حسب تقاضا و اصرار اهالی آنجا چراغ نفتی یا برقی هم گذاشته‌اند طور نیست که شاید بقدر اینکه خود چراغ دیده شود روشنائی ندارد اینها مسائلی است که هر کدام در جای خودش اهمیت دارد و این اصلاحات بلدی انجام پذیر نخواهد شد مگر اینکه خود مردم دخالت و شرکت در آن داشته باشند و راه آنها فقط تشکیل انجمنهای بلدیست و بس که در صدر مشروطیت ایران این قضیه را پیش‌بینی کرده‌اند و برای اینکه مردم را علاقه‌مند با اصلاحات بلدی بکنند آمدند و قانون انجمن بلدی را تصویب کردند ولی متأسفانه در طهران یکی دورتر به بیشتر این قانون اجراء نشد و بعد متروک ماند و در یکی دو نقطه هم شاید الان انجمنهای بلدی غیر رسمی باشد و البته باید در تمام نقاطی که بلدی هست انجمن بلدی نیز تشکیل و امور بلدی را اصلاح نمایند در دوره گذشته بر طبق اطلاعی که بنده دارم وزارت داخله نظر بنوائسی که در قانون انجمنهای بلدی دید لایحه تهیه و تقدیم مجلس شورای ملی کرد که شاید آن لایحه در کمیسیون داخله تصویب هم شده باشد و بنده از آقایان نمایندگان استدعا میکنم که یک توجه خاص باین موضوع

بفرمایند و سعی فرمایند که زودترین پروژه قانون بلدی بتصویب مجلس شورای ملی برسد که انشاءالله پس از تأسیس و تشکیل انجمن بلدی موفق شویم اصلاحات بلدی را که برای حیات مردم فوق‌العاده مؤثر است تکمیل نموده و شاید خیالات مردم از جهت اصلاح امور بلدی آسوده و راحت شود.

بعضی از نمایندگان - دستور.

اعتبارالدوله - بنده اجازه می‌خواهم عرض دارم.

رئیس - آقای نویخت. (اجازه)

نویخت - موضوعی را که می‌خواهم به عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم راجع به تجدید چوب و فلک است که اخیراً از جنوب سردر آورده است، شاید به عقیده بعضی از آقایان سملکت خورده خورده دارد به حالت عادی برمی‌گردد ولی (کلمه حق یزاد بها لباطل) حالا کاری به این موضوع ندارم و مطلبی را که می‌خواستم به عرض آقایان برسانم این است که به طور خلاصه حاکم کازرون که مطابق همان حالت عادی از طرف ایالت فارس معین شده است در کازرون یک بیچاره را فلک کرده و امر کرده است او را یک ساعت و نیم چوب بزنند عین مراسله که از فارس برای بنده رسیده است برای استحضار خاطر آقایان نمایندگان محترم می‌خوانم «چند روز پیش آقای اسیر نصرت نوری حاکم کازرون یک نفر از اهالی بدبخت را طلبیده و حکم کرده فلک کنند چهار نفر فراش با چوبهای بلند خار دار مشغول چوب‌زدن می‌شوند خود آقای امیر نصرت هم ایستاده و هر چند دقیقه اسیر می‌دهد که توقف کرده آب نمک روی پایش بریزند و دو سرتبه حکم می‌کند چوب بزنند نیم ساعت توقف کردم دیدم بیچاره رها شدنی نیست و التماسهای مزعج آن بیچاره طاقت مرا برید نتوانستم تحمل کنم خارج شدم پس از نیم ساعت دیگر کار خود را انجام داده به منزل بر می‌گشتم نزدیک اداره حکومتی باز صدائی که التماس می‌کرد بگوشم خورد وقتی رسیدم دیدم همان بیچاره همانطور دارد چوب می‌خورد و درست یک ساعت و نیم چوب می‌خورد. آقای حکمران محترم ایستاده با دخترک خود مشغول صحبت است و به او می‌گوید بابا خوب چوب می‌خورد؟ باز هم چوب بزنم؟ و آن رعیت مظلوم بیچاره التماس و استغاثه می‌کند این است بدبختی ما. شما آقایان نمایندگان را بحق حقیقت قسم می‌دهم که به حال ما فلک زده‌ها ترحم کنید».

این شخص اضافه بر این عمل یک کار دیگری هم مرتکب شده است که این جا نوشته نشده و در یکی از جرائد فارس نوشته‌اند که چهار انگشت شخصی را حاکم کازرون با تیغ صورت تراشی با دست خود قطع نموده است این راهم عرض می‌کنم به طوریکه اطلاع دارم وزارت داخله در اثر اقدام وزیر که او را یک شخص خوب و صالح و وطن پرست میدانم امر کرده است که او را بشیراز احضار کنند اما این شخص در این اعمال سابقه دارد و مکرر این کارها را کرده است و تا زگی ندارد حتی این شخص لقب خودش را هم در پای این قبیل کارها گذاشته است و خوب یاد دارم که در پنجسال قبل مرتکب یک عملیاتی در جهرم و دشتی و دشتستان شد و آنوقت لقبش امیر نصرت بود و دید که این لقبش

اتخاذ کرده است مخالف تمام مقررات قانونی است و بنده آن جزئیاتی را که راجع باین سؤال داشتم میل داشتم که آقای وزیر داخله حضور می‌داشتند تا مطالب را می‌شنیدند و جواب میدادند. رئیس - یک سرتبه بایشان اطلاع داده شده است باز هم اطلاع داده میشود که زودتر حاضر شوند: آقای عمادی (اجازه)

سید میرزا علی عمادی - اگرچه یک قسمت از عرایض بنده یعنی علت آن را آقای احتشام زاده و آقای نویخت بعرض رسانند چون مستلزم یک معلولی است که آن را بنده آوردم بعرض برسانم و آن این است که عرض میکنم بعقیده بنده اولین قدم اصلاح اقتصادی سملکت است چه که «سن لامعاش له لامعاده». فشار بینوائی فقر در جامعه ایران بقدری قیافه هولناکی بخود گرفته که با سهل انگاری مختصری ممکن است ما را بیک آینده خطرناکی تهدید نماید. دیر زمانی نمیگذرد که زمام کلیه امور اجتماعی از کف زمام داران رها شده راه چاره بکلی مسدود خواهد شد. و تمام را بدیاری محو و نیستی خواهد کشانید فقر و فلاکت هرساله یک طبقه را با چنگال بی‌رحمی منکوب و معدوم میسازد. آری آن طبقه که دو سال قبل سؤته دو سال را بیشتر نداشت برای عدم وسائل تزیید بیکارانه امروز به بی‌نوائی و بیچارگی رو بفرتا رفته چنانچه مشاهده میفرمائید. بدیهی است اگر حال بهمین منوال باشد آن طبقاتی که امروز بیک زندگانی سزجاتی بخود تکیه داده و سرپا ایستاده مدتی نمیگذرد مثل سابقین بعد از چند صباح دیگر در گرداب فقر غرق شده در سرای دیگر انتظار دیگران را می‌کشند. بهترین محک و تحقیق از برای تعیین مقدار تلفات فقر همانطوریکه مالیه ایران در رأس هر سال برای مخارج و عایدات آن سنه نسبت به سنه قبل تعیین مینماید که چه قدر کسر بودجه دارد فوری مالیات جدیدی بنا لایحه تقدیم مجلس شورای سلسی نموده و مجلس را به کسر عایدات سملکت در آتیۀ تهدید مینماید و مجبورش نموده که رأی اعتماد به آن لایحه داده همانطور اگر یک اداره احصائیه کافیه در سملکت بود که در هر سالی نسبت بسال قبل چه قدر تلفات نفوس از دولت فقر در سملکت شده با مطالعه مختصری هر قدر لایبائی گمی خواهد بکند نمیتواند خودداری نماید لامحاله در پی ایجاد وسائل رفع این بلا می‌برم برخواید آمد تأمل تسامح سهل انگاری از چیست شبیه در مرض است که بالحس مشاهده میشود در علت مرض است آنهم معلوم است که بواسطه عدم ازدیاد موالید اولیه و عدم وجود صنایع و بی‌ترتیبی و غیر منظم بودن امور تجارتنی از صادرات و عدم سهولت حمل و نقل آنهم استعداد سرزمین ایران از حیثیات معروضه سرآمد ممالک دنیای امروز است اگر در معالجت است آنهم با اینهمه دکترهای حقوقی از آقایان و کلاء محترم و وزراء و سایر قائلین ملت و سرپرستان سملکت آنهم در سایه سلطنت یک همچو پادشاه با عزم قادر ملت دوست سملکت خواه با فهم بمرض و راه معالجه و بودن طبیب چرا کرورها نفوس باید بمرض فقر مبتلا باشند معلوم معروف است که علت مرض تشخیص داده شد رفعت سهل است یا خدای نخواست به این افراد بشر در ایران قدر و قیمتی قائل نباید بشویم آنهم قطعاً نیست چرا که هر یک از آقایان

خیلی اسباب بدنامی برای او شده بود امیر نصرتی را بدل به سالار نصرتی کرد بهرحال تصور میکنم آقای دکتر مصدق و شاهزاده فیروز میرزا فیروز و آقای فاطمی که در فارس تشریف داشته‌اند و حکمران بوده‌اند این شخص را بخوبی بشناسند که این آدم چه تصایبی است آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایان نمایندگان فارس هم تصور میکنم بخوبی این شخص را بشناسند...

آقا سید یعقوب - بلی. سؤال هم راجع باین شخص کرده‌ام نمایانند جواب بدهند.

نویخت - لهدا روی اینمقدمه اولاً خواستم این مطلب را بعرض آقایان نمایندگان برسانم و ثانیاً بنده هم که وزارت داخله این آدم را از شیراز مخصوصاً بطلبند بطهران و در همین جا محاکمه اش کنند که دیگر من بعد نظیر این عملیات در نقاط سملکت واقع نشود. رئیس - آقای اعتبار (اجازه)

میرزا سید احمد خان اعتبار - دیروز بنده شنیدم در اثر رأی جلسه قبل مجلس شورای ملی راجع بعدم خروج مسکوک طلا و نقره از سرحدات عده از تجار قبلاً فهمیده و شاید معادل بیست بسته شمش طلا بدون جواز از اداره گمرک بتاریخ امروز و دیروز برای حمل و نقل با دانه پست داده‌اند که به بمبئی فرستاده شود اداره پست را نمیدانم قبول کرده یا نه ولی تصور میکنم نظر مجلس این بوده و در قانون هم مخصوصاً قید شده که باید قانون بلافاصله اجرا بشود (بعضی از نمایندگان - صحیح است) چون آقای وزیر مالیه تشریف دارند خواستم عرض کنم که یادداشت فرموده و بعد تحقیق نمایند که چطور شده است اداره گمرک بتاریخ یوم دوشنبه و یکشنبه جواز صادر کرده و اگر اداره پست تا بحال حمل نکرده اسریدهند که حمل نکند و اگر هم حمل شده قدغن کنند که در سرحد جلوگیری شده و خارج نشود.

وزیر مالیه - احکام راجع با اجرای قانون منع خروج طلا و نقره که پریروز از تصویب مجلس شورای ملی گذشت همان روز بتوسط تلگراف بهمجا ابلاغ شد حتی با دانه گمرک هم قبل از اینکه قانون از مجلس برسد تأکید شد که سمانعت از خروج نمایند و بهمجا تلگراف شد بوزارتخانه‌ها و اداره پست بهمجا اطلاع داده شد صورت آنهم بمجلس شورای ملی تقدیم میشود. راجع به تمام اینها پریروز اقدام شده است.

رئیس - آن قانون در همان روزی که تصویب شد عصری بریاست وزراء ابلاغ شد و از طرف مجلس کوتاهی نشده است آقای عباس میرزا (اجازه).

عباس میرزا - بنده مختصر عرضی داشتم. مدتی است که چند فقره سوال از وزارت داخله کرده‌ام و نظرباینکه اگر جواب آنها بتأخیر میمند موضوع آنها از بین می‌رود استدعا می‌کنم حضرت آقای رئیس زودتر وزارت داخله را برای جواب دعوت کنند من جمله یکی از سؤالات بنده راجع بانتخابات سرآب و گرم رود است که در این چندماهه که مجلس دائر است بطوری وزارت داخله اعمال نظریات خصوصی را شدت داده که مخالف با تمام قوانین است و با بودن مجلس شورای ملی این ترتیبی را که وزارت داخله

بهتر و بالاتر از هر کس قدر و قیمت بشر را میداند دول و سل حیه دنیای امروزه چه مخارج های هنگفت پر قدر را برای ایجاد سرمایه سبب نمایند که بلکه در سال عدد معدود کمی از اهالی مملکتشان مبتلا به آن مرض شوند که محتاج به آن سرم شود. برتری آلمان را حتی سبزی نوبستندگان فرانسه باز دیاد و کثرت تولد و تولید شان میداند سیگوند بواسطه همین آلمان قوی است پس بشر خیلی گران بها است خیلی باید مورد توجه باشند. حیث است با اسکان ایجاد وسائل زندگانی شان در این مملکت باین حالات شرم آور و ذلت فقر سالی صدها هزار تلف شوند.

روح توده ملت در این مملکت دو دسته میباشند یکدسته فلاح و زارعین که اکثریت را تشکیل میدهند مشاهده فرمائید بچه حالات رفعت آوری زندگانی مینمایند نه خانه نه لانه نه لباس نه فرش در تمام دوازده ماه خود با زن و بچه ها در گرما و سرما بیابان ها کوهها دره ها گرسنه پابرهنه بسر میبرند حتی ساتر عورت ندارند با این حال در تحت شکنجه های اربابها (که آقایان احتشام زاده و نویخت هم شرحی از مصداقی آنها بعرض مجلس شورای ملی رساندند که بچه شکل مأمورین مالیه و عدلیه و مأمورین ادارات). اقویای خارج از انسانیت والله قلب هر قسی القلی از مشاهده وضعیتشان مجروح میشود. دسته دیگر گارگران شهرها و بلوکات همه با حالت بهت و حیرت سرگردان در کنار دیوارها و خرابه ها با سگ های محله ها از فقر هم آغوش وهم بستر چرا که کار نیست مدیر دلسوز نیست اینها را بکار بیندازد هم اینها را از این وضعیت دلخراش خارج سازد هم دولت استفاده نماید.

تصور میکنم که اگر بزودی با هر قیمت که میسر شود جلوگیری از هجوم این عفریت مهلک فقر و پریشانی بشود و وسائل استخلاص ملت تهیه و موجود گردد البته بطور یقین در هر سالی نسبت به سال قبل صد نود و پنج تلفات کمتر خواهد بود. بنظر بنده این اصل حیاتی مقدم بر سایر اصول است اگرچه هر یک از اصول بجای خود مقام اهمیت دارد و باید عملی بشوند مثل این است یک نفر انسانی در زندگانی حوائج زیادی دارد لیکن مقدم بر همه تهیه مؤنه و سرمایه است که مایحتاج او را بوجود میآورد. پس اصل اقتصادی با لذات علت العلل و اس اصول زندگانی و مقدم بر تمام اصول حیاتی بالطبع میباشد یقین دارم آقایان نمایندگان محترم با اطلاعات کامله که از فقر و بدبختی سرتاسر ایران بخوبی دارند تصدیق بلزوم سرعت در اقدام علاج این مرض مهلک که فقط بنده آن را تعبیر به فقر عمومی مینمایم میفرمایند. بدیهی است در عداد این مؤسسات و اصول که تا حال تقدیم مجلس شورای ملی شده و تقاضای تشکیل کمیسیون در حق هر یک فرمودند بنده هم تقاضا میکنم کمیسیون بنام کمیسیون اصلاحات اقتصادی از نمایندگان محترم بشود با جلب نظریات مطلعین و متخصصین پیشنهادات مؤثری تهیه کرده و با دولت وقت که خوش بختانه اکثر مواد پروگرام او موافق این آمال است تبادل نظر نموده با سرعت شروع باجرا آن نمایند بنابراین ماده واحده ذیل را بنام جلوگیری از فقر عمومی بساحت مجلس شورای ملی تقدیم مینمایم.

ساده واحده - مجلس شورای ملی کمیسیون مرکب از نه نفر از مطلعین باوضاع اقتصادی از بین نمایندگان محترم بنام کمیسیون اصلاحات اقتصادی انتخاب مینمایند و به آنها اختیار میدهند که در حدود اصلاحات اقتصادی مطالعات کامله نموده و از سائرین که در امور اقتصادی دارای تخصص و اطلاعات کافی هستند جلب نظریات و مساعدت های فکری نموده و نتیجه مطالعات خودشان را مرتب تقدیم مجلس شورای ملی نمایند تا با تصویب نمایندگان اصلاحاتی در امور اقتصادی بعمل آید.

عضویت این کمیسیون منافی با عضویت در دو کمیسیون مطابق نظامنامه داخلی نخواهد بود. عمادی. کسی استوان - احتشام زاده.

آقایید یعقوب - حالا دیگر اجازه میفرمائید وارد دستور شویم؟

رئیس - کسی هم اجازه نخواست است والا ما هم حاضریم. به کمیسیون سبکرات فرستاده میشود، آقای خطیبی فرمایشی دارید؟ خطیبی - بنده هم چندین راجع بمطالبات چویداران گروسی سؤالی از وزارت داخله کرده ام و برای جواب حاضر نشده اند این است که از مقام ریاست استدعا میکنم مقرر فرمایند آقای وزیر داخله زودتر حاضر شوند و جواب بنده را بدهند که تکلیف این بیچاره ها هم معلوم شود.

رئیس - این هم ثانیا اطلاع داده میشود، آقای کی استوان طرح قانونی راجع به کل معادن تقدیم مجلس کرده اند، به کمیسیون سبکرات ارجاع میشود، طرح قانونی از طرف عدله از آقایان تقدیم مجلس شورای ملی شده است راجع به اصلاح ماده ۱۰ نظامنامه داخلی که کمیسیون فوائد عامه و پست و تلگراف تجزیه شونده دو کمیسیون مستقل.

(طرح سزبور بشرح ذیل خوانده شد)

خاطر محترم آقایان نمایندگان مستحضر است که در موقع تدوین نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی در سنه ۱۳۲۸ امور پست و تلگراف و فوائد عامه بواسطه نداشتن کار زیاد وزارتخانه واحدی بود و بهمین جهت در نظامنامه داخلی برای آن یک کمیسیون پیش بینی شد ولی حالیه تصدیق میفرمایند که کارهای زیاد و وظائف مهمه موجب آن شده است که این دو رشته امور مسلکتی از یکدیگر تفکیک شده و هر کدام وزارتخانه علیحده تشکیل دهند و بهمین جهت لوایح و طرحهای راجعه به این دو وزارتخانه در مجلس شورای ملی حائز اهمیت زیاد است و مطالعه و دقت کافی لازم دارد و مقتضی است برای هر یک از این دو وزارتخانه کمیسیون علیحده تعیین و انتخاب شود لهذا امضا کنندگان ذیل اصلاح ماده ۱۰ نظامنامه داخلی را بترتیب ذیل پیشنهاد و تصویب فوری آنها از مجلس شورای ملی استدعا مینمایم:

ماده ۱۰ مجلس شورای ملی هر شش ماه مقارن تجدید هیئت رئیسه هشت کمیسیون از میان خود بطریق انتخاب جمعی معین میکنند که اسامی آنها از قرار تفصیل ذیل و هر یک نظر به تعیین مجلس مرکب از شش الی دوازده عضو است:

(۱) کمیسیون خارجه. (۲) کمیسیون داخله. (۳) کمیسیون نظام. (۴) کمیسیون عدلیه. (۵) کمیسیون قوانین مالیه. (۶) کمیسیون معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (۷) کمیسیون پست و تلگراف. (۸) کمیسیون فوائد عامه و فلاح و تجارت و صنایع. این کمیسیونها بهیچوجه با سایر کمیسیونهایی که ممکن است مجلس تشکیل آنها را رأی دهد منافات نخواهد داشت. امیر تیمور کلای، فهیمی، بهبهانی، مهدوی، عباس، فیروز، حبیب الله امین، (و بیست امضای دیگر)

رئیس - آقای فهیمی. (اجازه)

فهیمی - البته خاطر محترم آقایان مستحضر است که غالب از وزارتخانه ها در ابتدای مشروطیت منضم بهم بود، مثلا پست و تلگراف با وزارت داخله بود، معارف و فوائد عامه هم یکی بود بعد پست و تلگراف مستقل شد، فوائد عامه و معارف هم مجزا شدند یعنی رفته رفته کارها که زیادتر شد دو وزارتخانه تشکیل دادند حالا هم کارهای فوائد عامه زیاد است و رفته رفته هم زیادتر خواهد شد همینطور پست و تلگراف اهمیت دارد به این جهت لوایحی که میآید چون به یک کمیسیون می رود موجب تأخیر میشود این است که استدعا شده است همانطور که برای وزارتخانه های دیگر یک کمیسیون خاص معین شده است یک کمیسیون هم برای فوائد عامه معین شود و این پیشنهاد هم عین ماده ۱۰ نظامنامه داخلی است نهایت لفظ هفت بهشت کمیسیون تبدیل شده و در قسمت آخر هم فوائد عامه و پست و تلگراف از هم مجزا شده است والا اصل همان است و تغییری داده نشده.

رئیس - مقصود از فوریت دو فوریت است؟

فهیمی - بلی.

آقایید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس - فوریت مطرح است اصلاح که مطرح نیست، آقای بیات. (اجازه)

بیات - موافقم.

رئیس - آقای داور.

داور - موافقم.

رئیس - آقای اعتبار.

میرزا سید احمد خان اعتبار - موافقم.

رئیس - آقای شیروانی.

شیروانی - بنده در فوریت عرضی ندارم.

رئیس - رأی گرفته میشود بفوریت اول آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد، رأی گرفته میشود بفوریت ثانی، مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - رأی گرفته میشود بفوریت ثانی آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد، آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - در اینکه یک کمیسیون علیحده برای وزارت پست و تلگراف تهیه شود بنده مخالف نیستم ولی با جزء آخرین طرح مخالفم، در اینکه فوائد عامه یک کمیسیون مخصوص می خواهد و خیلی هم مخصوصاً در نظریات است که اقتصادیات مان را ترقی بدهیم حرفی نیست ولی یک عبارتی نوشته است که این کمیسیونهای هشت گانه منافاتی با کمیسیونهای دیگری که تشکیل میشود ندارد، چون یک ماده دیگری در نظامنامه هست که این کمیسیونهای معمولی اعضائی که در آنها هستند هر نفر از آنها نمیتواند در بیشتر از دو کمیسیون عضویت داشته باشند حالا اگر این جمله آخر مخالف با عبارت نظامنامه است بنده مخالفم چونکه عدله نمایندگان روز بروز زیادتر میشود و شاید بعد و بیست و صد و سی نفر برسد و البته تمام آنها حق دارند که در این کمیسیونها حاضر شوند و در واقع حق بهمه شان داده شود که در کمیسیونها باشند در اول هم نظر مقنن همین بوده است و همین قسمت را ملاحظه کرده اند که تمام نماینده ها در کمیسیونها اشتغال بکار داشته باشند. حالا اگر این قسمت با عبارت نظامنامه مخالف نیست بنده موافقم ولی آخر ماده عبارتی نوشته شده است که با ماده نظامنامه مخالفت دارد زیرا ماده نظامنامه می گوید که در دو کمیسیون بیشتر نمی شود عضویت داشت.

رئیس - این قسمت را که اشاره کردید عین عبارت آخر ماده ۱۰ نظامنامه داخلی است و جزو پیشنهاد جدید نیست. مقصود از این عبارت که این کمیسیونها بهیچوجه با کمیسیونهایی که ممکن است مجلس رأی به تشکیل آنها بدهد منافاتی ندارد این است که کمیسیونهای مشکله که در نظامنامه قید شده است منحصر به این کمیسیونها نیست.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - مخالفی ندارد؟

شیروانی - بنده عرضی دارم.

رئیس - بفرمائید.

شیروانی - عرض کنم سئاله نظامنامه و تغییراتی که در نظامنامه داده میشود (حالا این یک موضوعی است و خیلی هم اهمیت ندارد و بنده مخالفتمی هم در اساس ندارم) ولی بنده معتقدم که این راه را نباید باز کنیم که در هر موقع که مصادف با موضوعی بشویم یکی از مواد نظامنامه را جرح و تعدیل بکنیم. بعقیده بنده نظامنامه مجلس در درجه دوم قانون اساسی واقع است بنابراین باید در تغییراتی که در نظامنامه داده میشود یک قدری بیشتر دقت شود. در دوره گذشته یک کمیسیون نظامنامه تشکیل شد با حضور آقای پیرنیا و چند نفر دیگر از آقایان و یک تغییراتی هم در مواد نظامنامه از نقطه نظر غیر عملی بودنش داده شدن جمله اصلاح کمیسیونها بود و چون از روی یک تناسبی کارها بین کمیسیونها تقدیم نشده بالاخره صورت خاصه خرجی را پیدا کرده و حالا میخواهیم یکی دیگر هم بر عدله این کمیسیونها زیاد کنیم آنوقت ملاحظه میفرمائید کمیسیون داخله یا همین کمیسیون

کمیسیون بیست هر شش ماه یک مرتبه یک لایحه وارد آن میشود ولی کمیسیون بودجه یا مالیه همیشه چندین فقره لایحه پشتسر هم آنجا موجود است این است که بعضی کمیسیونها فوق العاده پر مشغله هستند و بعضی کمیسیونها کم کارند این بود که در آن نظامنامه جدید که در دوره پنجم از کمیسیون گذشت نظرشان به این قسمت بود که طوری تقسیم بندی نمایند که همه کمیسیونها کار داشته باشند و بالاخره صورت خاصه و خرجی* از بین برود و حالا بنده می بینم برعکس قضیه شده است یعنی یک کمیسیون کم کاری میخواهیم درست کنیم و آنوقت یک کمیسیونهای دیگرمان بقدری کار زیاد دارند که باید هفته چندین مرتبه جلسه تشکیل بدهند و باز بکارشان هم نرسند...

یک نفر از نمایندگان - مانتش چیست؟

شیروانی - البته مانعی ندارد این کار ولی نفعی هم ندارد و حالا چون توی این ماده دست برده اند بنده هم میخواستم ضمناً این قسمت را متذکر شوم که در این ماده بنده می بینم هیچ کجا اسمی از صحیه برده نشده و تذکری در این باب داده نشده چون صحیه حالا جزو وزارت داخله است لوائحش می رود به کمیسیون داخله ولی یک روز وزیر معارف یک آدم قوی میشود صحیه را میبرد جزو معارف یک وقت وزیر داخله مان آدم فعالی بود گفتیم صحیه برود جزو وزارت داخله و این برای این بود که جای صحیحی صحیه نداشت و بنده عقیده ام این است که حالا باید در موقع تعیین این کمیسیونها تکلیفش را معین کرد و بنده پیشنهاد میکنم که عجله بعد از کمیسیون داخله کلمه (وصحیه) هم اضافه شود.

رئیس - آقای بیات. (اجازه)

مرتضی قلی خان بیات - این اظهاری را که آقای شیروانی بیان فرمودند گمان میکنم در اصل مسأله اشکالی نباشد برای اینکه در ضمن عمل به یک اشکالاتی برخورداند و تجربه کرده اند دیده اند که باید یک اصلاحات اساسی در این قسمت بشود و اما اینکه اظهار فرمودند که در بعضی مواقع نظامنامه تغییر پیدا نکند عرض میکنم چون نظامنامه برای سهولت در عمل است و البته در یک موقعی که آقایان نمایندگان دیدند یک ماده از نقطه نظر سرعت جریان در عمل لازم است یک تغییراتی در آن بشود ممکن است تغییر داد و هیچ اشکالی هم ندارد و تغییر این ماده هم بعقیده بنده یکی از آن مواقعی است که در جریان عمل خیلی اسباب سهولت است و هیچ اشکال قانونی هم ندارد و برای سرعت عمل خیلی مفید است که این ماده را تصویب کنیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی.

(به ترتیب ذیل خوانده شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود کمیسیون امور خارجه و کمیسیون مالیه.

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - این پیشنهاد بنده اصلاح عبارتی است. در جزو کمیسیونها نوشته شده است (کمیسیون خارجه) بنظر بنده اگر نوشته

شود (کمیسیون امور خارجه) بهتر است و هم چنین در ثانی نوشته شده است (کمیسیون قوانین مالیه) این لغت هم فقط در این کمیسیون معمول شده است در صورتیکه همه کمیسیونها کمیسیون قوانین است کمیسیون عدلیه هم کمیسیون قوانین عدلیه است کمیسیون داخله هم کمیسیون قوانین داخله است و اینجا هیچ خصوصیتی ندارد که فقط کمیسیون مالیه اختصاص داشته باشد به این کلمه.

رئیس - آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی - قسمت اولش را بنده هم تصدیق میکنم ولی راجع بقسمت دوم در نظامنامه یک نکته داشته که در آنجا این مسأله پیش بینی شده است برای اینکه امور مالی دو قسمت است یکی امور بودجه و یکی دیگر قوانین مالی و اگر ما در اینجا این موضوع را در نظر بگیریم ممکن است بعضی لوائح با مسائل بودجه اشتباه شود. این است که تصور میکنم قوانین مالیه نوشته شود بهتراست و هیچ اشکالی ندارد.

رئیس - خوب تجزیه می کنیم این پیشنهاد را. اول رأی میگیریم باضافه کلمه امور و این طور میشود (کمیسیون امور خارجه) آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود بقسمت دوم پیشنهاد آقای یاسائی که بجای کمیسیون قوانین مالیه نوشته شود: (کمیسیون مالیه) آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پس همان قسمت اول پیشنهاد ایشان صحیح است و تصویب شد. دیگر پیشنهاد نیست.

شیروانی - صحیه را هم بنده پیشنهاد کردم.

رئیس - فعلاً که صحیه جزو وزارت داخله است و اگر راجع بصحیه لایحه بیاید به کمیسیون داخله خواهد رفت.

شیروانی - بسیار خوب.

رئیس - رأی گرفته میشود بماده پانزده.

طباطبائی دینا - این پیشنهاد با این ترتیب که خوانده شد لفظ انتخاب قبل از هیئت رئیسه نبود در صورتی که در ماده پانزده هست و در اینجا هم باید باشد.

رئیس - کلمه انتخاب افتاده است؟

طباطبائی دینا - بلی.

رئیس - کلمه انتخاب هم قبل از هیئت رئیسه اضافه میشود. رأی گرفته میشود باین ماده پانزده با اصلاحاتی که مورد تصویب واقع شد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. این ماده از کی اجرا خواهد شد؟ جمعی از نمایندگان - از امروز

رئیس - از امروز؟ بسیار خوب چون کمیسیونها انتخاب نشده است بنابراین عدله اعضای کمیسیون پست و تلگراف چه قدر خواهد بود؟

قانون و برطبق اعلان منتشره از صبح بیستم سرداد برای اخذ شکایات و در ظرف هفته دیگر برای رسیدگی بشکایات حاضر و شکایات واصله را مورد دقت قرار داده و هیچکدام را وارد ندانسته. شعبه نیز در جلسات عدیده خود نسبت با اعتراضات واصله بهیئت نظار و مجلس شورای ملی تحقیقات لازمه نموده و اعتراضات را غیر وارد و با کثرت نمایندگی آقای سیرزا ابوالحسن خان ثقة الاسلامی را که با کثرت (۹۶۲۶) رأی از مجموع (۴۶۹۰۰) رأی انتخاب شده اند تصدیق و راپورت آن را تقدیم میدارد.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای ثقة الاسلامی از شهر تبریز و توابع. آقایانی که موافقت قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر از شعبه اول راجع بنمایندگی آقای جهانشاهی از تبریز.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

تفصیل جریان انتخابات بشرحی است که در راپورت نمره (۱) بعرض رسیده اینک متعاقب راپورت مزبور جریان انتخاب آقای مصدق الملک جهانشاهی را که با کثرت (۱۲۳۳۱) رأی از (۴۶۹۰۰) رأی بنمایندگی مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه تبریز انتخاب شده اند معروض نظر باینکه در قسمت انتخاب ایشان فقط یک فقره اعتراض در دوسیه موجود بود که نه انجمن و نه شعبه بآن ترتیب اثر از نقطه نظر قانون نمیتوانست بدهد بناءً علیهذا شعبه جریان انتخاب ایشان را تصدیق و راپورت آن را تقدیم میدارد.

رئیس - رأی گرفته میشود باین خبر آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

(راپورت شعبه اول راجع بنمایندگی آقای اسکندری از تبریز (بشرح ذیل قرائت شد)

چنانچه در راپورت نمره (۱) بعرض رسید آقای نصرت الله خان اسکندری با کثرت (۱۳۵۷۶) رأی از (۴۶۹۰۰) رأی از حوزه انتخابیه تبریز بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب چون در قسمت ایشان اعتراض قابل توجهی نه بانجمن در موقع انعقاد آن برای اخذ رسیدگی بشکایات و نه بمجلس شورای ملی رسیده بود بناءً علیهذا شعبه یک جریان انتخاب ایشان را تصدیق و صحت نمایندگی ایشان را تصویب مینماید.

رئیس - آقای زوار (اجازه)

حاج اسماعیل زوار - مخالفم.

رئیس - میماند برای جلسه بعد. خبر چهارم از شعبه اول راجع بنمایندگی شاهزاده محمدولی میرزا

(بترتیب ذیل خوانده شد)

چنانچه در راپورت نمره (۱) بعرض رسید شاهزاده محمدولی میرزا فیروز با کثرت (۱۶۵۸۵) رأی از (۴۶۹۰۰) رأی از حوزه انتخابیه تبریز بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب چون اعتراض پایشان دائر باره تردیدی در راپورت چابی مشروحاً بعرض

بعضی از نمایندگان - شش نفر. روحی - اجازه میفرمائید بنده عقیده دارم کمیسیون پست و تلگراف فقط شش نفر باشد کافی است.

رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - خبر شعبه اول راجع بنمایندگی آقای ثقة الاسلامی در جلسه گذشته مطرح بود و آقای آقا سید یعقوب مخالف بودند آقای افشار (اجازه).

افشار مخبر شعبه - بطوری که آقایان محترم میدانند برای نوشتن خبر یک اصول مسلمی نیست نوشتن خبر بسته است بمیل مخبر و البته هر مخبری هم یک سلیقه دارد و بنده هم یک سلیقه داشتم در نوشتن این خبری که آقای آقا سید یعقوب با آن مخالفت کردند و حالا بنده برای اینکه تولید هیچ نوع کشمکش در مجلس راجع با انتخابات آذربایجان نشود آن خبر را پس گرفتم و خبرهای دیگری تهیه کرده ام راجع باشخاص که الان تقدیم میکنم.

(خبرهای مزبوره را تقدیم مقام ریاست نمودند)

رئیس - نسبت بخبری که استرداد می کنند مخالفی نیست؟ یک نفر از نمایندگان - خیر

(خبر جدید شعبه اول راجع بنمایندگی آقای ثقة الاسلامی از تبریز بشرح ذیل خوانده شد) بتاريخ لیله ۲۸ اسفند ۱۳۰۴ مطابق ماده ۱۴ قانون انتخابات ۳۶ نفر از طبقات سته و معتمدین محل بعمارت ایالتی دعوت و با حضور ۳۰ حضار با رأی مخفی نه نفر اعضای اصلی و نه نفر اعضای علی البدل برای انجمن نظارت مرکزی شهر تبریز و توابع برای انتخاب نمایندگان دوره ششم انتخاب و سپس مطابق ماده ۱۶ قانون شروع به تشکیل انجمنهای فرعی و شعب در حومه های تابعه شده و پس از تعیین و تشکیل انجمنهای فرعی بموجب ماده ۲۱ قانون از طرف انجمن نظارت مرکزی اعلان انتخابات سنشتر و در مدت ۲۰ روز از صبح ۱۳ اردی بهشت تا غروب ششم خرداد با حضور سه نفر نماینده کمیساریهای سحلات مشغول دادن تعرفه و اخذ آراء شده و پس از انجام توزیع تعرفه و اخذ آراء بموجب ماده ۲۹ قانون در هشتم خرداد اوراق آراء مأخوذه از شهر تبریز شمرده شده و عده آن بالغ برده هزار و هشتصد و سی و هشت ورقه بوده ولی در عین قرائت آراء که هر حوزه در دفتر مذاکرات ثبت و نمره ترتیبی در پشت اوراق آراء قید می شده معلوم میشود عده آراء قرائت شده بالغ برده هزار و هشتصد و چهل و نه ورقه بوده بنابراین ۵۰ ورقه از کلیه عده اوراق تعرفه کسر بوده است مطابق ماده ۳۰ قانون بعد از شماره اوراق آراء با رعایت مواد قانون در روز نهم خرداد شروع بقرائت آراء گردیده. و در بیست و یکم تیرماه قرائت آراء خاتمه یافته و از مجموع آراء شهر تبریز چهارصد و شصت و یک ورقه از اوراق آراء سفید و باطله و لایقه بوده است که عین ضمیمه صورت مجلس است. حائزین اکثریت شهر تبریز و توابع یازده گانه بقاری است که در راپورت های جداگانه تفصیل اساسی دارندگان اکثریت آراء بعرض خواهد رسید. انجمن مرکزی پس از خاتمه انتخابات شهر و توابع مطابق ماده ۱۴

رسیده لذا بدون آنکه لزوم تکرار رایز بداند شعبه یک با کثرت آراء نمایندگی ایشان را تصویب و رایز آن را تقدیم میدارد.

رئیس - آقای زوار (اجازه)

زوار - مخالفم.

رئیس - میماند برای جلسه بعد. خبر پنجم از شعبه اول راجع بنمایندگی آقای فرشی.

(بشرح آتی خوانده شد)

چنانچه در رایز نمره (۱) بعرض رسید آقای فرشی با کثرت (۹۳۷۱) رأی از (۴۶۹۰۰) رأی از حوزه انتخابیه تبریز بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب چون در قسمت ایشان اعتراض قابل توجهی نه بانجمن در موقع انعقاد آن برای اخذ و رسیدگی بشکایات فرعی و نه بمجلس شورای ملی رسیده بود بناء علیهذا شعبه یک جریان انتخاب ایشان را تصدیق و صحت نمایندگی ایشان را تصویب میماند.

رئیس - آقای زوار مخالفند؟

زوار - بلی

رئیس - میماند برای جلسه بعد. خبر ششم از شعبه اول راجع بنمایندگی آقای دکتر رفیع خان از تبریز.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

تفصیل جریان انتخاب شهر و توابع تبریز را در رایز نمره (۱) بعرض رساند. اینک متعاقب آن خبر انتخاب آقای دکتر رفیع خان اسبق را که با کثرت (۹۲۶۹) رأی از (۴۶۹۰۰) رأی بسمت نمایندگی از حوزه انتخابیه تبریز منتخب شده اند معروض چون در قسمت انتخاب ایشان اعتراض قابل توجهی نه به هیئت نظار در موقع قانونی اعتراضات و نه بمجلس شورای ملی رسیده بود بناء علیهذا شعبه صحت جریان انتخاب ایشان را تصدیق و رایز آن را تقدیم میدارد.

رئیس - آقای زوار.

زوار - مخالفم.

(رایز شعبه اول راجع بنمایندگی آقای عدل بشرح ذیل خوانده شد) چون تفصیل جریان انتخاب شهر و توابع تبریز مشروحاً در ورقه چاپی معروض و در دست رس آقایان نمایندگان است بناء علیه بدون تکرار آن خبر انتخاب آقای میرزا یوسف خان عدل را که با کثرت (۱۶۴۲۶) رأی از (۴۶۹۰۰) رأی بنمایندگی مجلس شورای ملی از حوزه انتخابیه شهر و توابع تبریز منتخب شده اند تقدیم و فقط اضافه مینماید که بایشان اعتبارنامه غیرچاپی شبیه باعتبار نامهای طهران صادر شده است چون شعبه اعتراضات مربوطه بایشان را غیوراً دید لهدا با کثرت انتخاب ایشان را تصدیق و رایز آن را تقدیم مینماید.

رئیس - این را هم قبلاً آقای زوار مخالفند.

آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای دشنی

دشنی - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای اعتبار

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - بنده موافقم.

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - آقای وزیر مالیه فرسودند بودجه ها حاضر است و عنقریب هم بمجلس میآید بنده عرض میکنم اگر بودجه ها حاضر است به چه مناسبت دودوازدهم میخواهند و بنده این حرف را ناقص فرمایش خودشان میدانم بعلاوه کمیسیون بودجه هم کاری ندارد این لایحه میروید و در آنجا رسیدگی میشود بعد میآید بمجلس این است که بنده عقیده ندارم فعلاً مطرح شود.

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - عرض میکنم در این جا دو مرحله است یکی فرستادن بودجه است بمجلس شورای ملی و یکی تصویبش بعقیده بنده تصویبش وقت لازم دارد و باضافه آقای وزیر مالیه تصریح کردند که کار ادارات مختل میشود زیرا کارهای ادارات یکطوری است که نمیشود بنأخیر انداخت و هر کس هم باین نوع حقایق ناظر است میدانند که گاهی پول برای روز لازم است نه برای ماه و فوری بودن این نوع لوایح هم نزد ما معروف بوده و کراراً هم درش مذاکره شده است.

وزیر مالیه - آقای روحی اظهار داشتند که اگر بودجه ها حاضر است چرا پس لایحه دو دوازدهم را تهیه کرده ایم بنده تصور میکنم که در مجلس شورای ملی یک وزیری نمیتواند برخلاف عرضی بکند البته اگر بنده اطلاع نداشتم که بودجه ها حاضر است و تقدیم میشود در مجلس عرض نمیکردم حتماً روز شنبه تقدیم خواهد شد زیرا لوائح مقدساتیش هم حاضر است آورده اند و امضاء هم شده است بعلاوه راجع به دودوازدهم که فرمودند این برای یک مصارفی است که البته بایستی رعایت آن مصارف بشود و بعلاوه تدارکاتی است که برای دو ماه باید بشود این اجازه برای دو ماه یک چیز با اهمیتی نیست آنهم در صورتی که بودجه اش تصویب شده است و تصور نمیکنم که محتاج باین قدر بحث و مذاکره باشد.

رئیس - رأی گرفته میشود بفوریت این لایحه یعنی شور در مجلس وعدم ارجاع بکمیسیون بودجه آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - فوریتش تصویب نشد. مطابق لوائح عادی ارجاع میشود بکمیسیون بودجه آقایان موافقند چند دقیقه تنفس داده شود؟ جمعی از نمایندگان - صحیح است.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از بیست دقیقه مجدداً تشکیل گردید.)

رئیس - خبر شعبه اول راجع بنمایندگی آقای لیقوانی از تبریز مطرح است.

(آقای افشار مخبر شعبه راپورت مزبور را بترتیب ذیل قرائت نمودند)

راپورت جریان انتخابات شهر و توابع در خبر نمره ۱ بعرض رسیده اینک متعاقب آن خبر انتخاب آقای لیقوانی را که با کثرت

(۱۱۸۱۷) رأی از (۴۶۹۰۰) رأی بسمت نمایندگی شهر تبریز و توابع انتخاب شده اند معروض چون دائر بانتخاب ایشان اعتراض قابل توجهی نشده است هیئت نظار و شعبه اعتراضات واصله را غیر وارد دانسته اند این است شعبه با تصدیق صحت جریان انتخاب نمایندگی ایشان را تقدیم میدارد.

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - بنده مخالفم.

رئیس - میماند برای جلسه بعد. خبر دیگر شعبه اول راجع بنمایندگی آقای جوان شیراز تبریز.

(خبر مذکور را آقای مخبر بشرح ذیل خواندند)

راپورت انتخابات شهر و توابع تبریز را مشروحاً در راپورت نمره ۱ معروض اینک متعاقب آن خبر انتخاب آقای جوان شیر را که با کثرت (۱۰۹۶۲) رأی از (۴۶۹۰۰) رأی از حوزه انتخابیه تبریز بسمت نمایندگی انتخاب شده اند معروض چون فقط یک فقره اعتراض در دو سه بر علیه ایشان موجود بود که نه هیئت نظار و نه شعبه آنرا وارد ندید بناء علیهذا با کثرت جریان انتخاب ایشان را تصدیق و راپورت آنرا تقدیم میدارد.

بهار - آقا بنده اشتباه کردم با این راپورت مخالفم چون راپورت را آهسته خواندند بنده درست ملتفت نشدم بنده با قسمت آقای لیقوانی مخالفتمی ندارم با این قسمت مخالفم.

رئیس - با قسمت آقای لیقوانی مخالف نیستید؟

بهار - خیر.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای لیقوانی از تبریز آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. (خطاب به آقای بهار) نسبت به جوان شیر مخالفید؟

بهار - بلی.

رئیس - این کی هست؟

بهار - والی زاده است.

(خبر شعبه سوم راجع بانتخابات شوشتر و توابع را آقای اعتبار بمضمون ذیل قرائت نمودند)

شعبه سوم دومی انتخابات شوشتر را تحت نظر گرفته و نتیجه را بشرح ذیل بعرض مجلس میسازد: در لیل اول فروردین ماه ۱۳۰۵ حکومت با رعایت ماده ۱ قانون انتخابات ۳۳ نفر را برای تشکیل انجمن دعوت و در همان شب اعضاء اصلی و علی البدل انجمن مرکزی برای مخفی انتخاب میشود. در لیل دوم فروردین انجمن هیئت عامله خود را تعیین و برای تشکیل انجمنهای فرعی ناصری، رامهرمز و توابع تصمیمات لازم اتخاذ میکند برطبق اعلانات منتشره از تاریخ دوم شهرشوال الی هشتم را برای توزیع تعرفه و اخذ رأی تعیین و انتخابات را به جریان می اندازد و برای تشکیل شعب میان آب و عقیلی و گتوند ماسورین مخصوص از طرف انجمن و حکومت اعزام و انتخابات شوشتر را خاتمه میدهند و نتیجه شکایات واصله وزارت داخله تشخیص میدهد که انجمن و حکومت

رعایت مفاد تبصره ماده (۱۶) وانکرده و انتخابات را بدست مأمورین اعزامی بجریان و خاتمه داده و آراء توابع را با آراء شهر شوشتر مخلوط و استخراج کرده اند وزارت داخله این عمل را خلاف قانون دانسته و امر به ترمیم و تجدید انتخابات شوشتر و توابع شوشتر میدهد انجمن مرکزی شوشتر برای مرتبه ثانی اعلانات لازمه را منتشر و از ۱۴ محرم الی ۲ محرم در شهر تعرفه توزیع و اخذ رأی مینماید شعبه فرعی راهم بارعایت تبصره ماده ۱۶ در توابع مجدداً تشکیل و با دقت های لازم انتخابات را خاتمه میدهد. مجموع تعرفه توزیع شده و آراء مأخوذه در شوشتر و انجمنهای فرعی ناصری و رام هرمز و توابع (۶۰۷۵) ورقه در نتیجه استخراج و قرائت آراء آقای سیرزا مهدی خان بنی سلیمان (۳۹۰۹) رأی اکثریت مرتبه اول را حائز بوده اند انجمن پس از طی مدت قانونی اعتبارنامه صادر و بارعایت ماده ۲ قانون انحلال خود را اعلام میدارد.

شعبه با مراجعه بدوسیه و دقت های لازم صحت جریان انتخابات شوشتر و نمایندگی آقای سیرزا مهدی خان بنی سلیمان را تصدیق و خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی مینماید.

رئیس — رأی گرفته میشود بنماینده آقای بنی سلیمان از حوزه انتخابیه شوشتر آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس — تصویب شد. شروع میشود با انتخاب کمیسیونهای معموله بدوای دوفتر به قرعه معین میشود برای نظارت بعد هم خبر کمیسیون بودجه راجع به تأسیس بانک رهنی مطرح میشود (اقتراع بعمل آمده آقایان موافق و طباطبائی و کیلی بحکم قرعه برای استخراج آراء معین شدند)

رئیس — از طرف عده از آقایان پیشنهاد شده است که اعضاء کمیسیون خارجه ۹ نفر باشد مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان — خیر.

رئیس — آقایان نظار تشریف ببرند آن اطاق برای اخذ آراء آقا سید یعقوب — اجازه میفرمائید یک تذکری عرض کنم؟

رئیس — بفرمائید.

آقا سید یعقوب — بنده کمالاً در وضع عمارت دقت کرده ام و اشکالاتی پیش آمده است متوجه شده ام مطابق وضع ساختمان این عمارت باید ورقه که داده میشود از این جا بدهند و از درب سمت راست بیایند این بود که خواستم آن دوفتر ناظر را تذکر بدهم که ورقه که داده میشود همین جا بدهند و از این درب بیایند و از آن طرف هر کس آمد ورقه رأی او را بگیرند. سابقاً در این کار بودم بواسطه همین موضوع در زحمت بودم این بود که خواستم این سابقه را تذکر بدهم که تولید اشکال نشود.

رئیس — این اشکال از اینجا پیدا شده است که پاکتهائی که برای نوشتن آراء تهیه میشود در اطاق جنب است و طبعاً باید از این راه بروند و اگر بخواهید این نظریه شما تأسین شود باید پاکتها در همین جا توزیع شود.

بعضی از نمایندگان — همین جا توزیع شود.

رئیس — (خطاب به سوزع و اوراق رأی) پاکتها را همین جا

برای اعاشه روزمره شما اگر نخواهید یک رقیب قوی در مقابل اینها ایجاد کنید هستی سردم بعد از یک مدتی مرکزیت پیدامی کند در این چند مؤسسه. این است که چندین نقطه نظر اقتصادی تأسیس بانک راه دولت اجازه داده است که با این مؤسسه ها رقابت کند و تصور می کنم ایراد آقا وارد نباشد.

رئیس — آقای روحی (اجازه)

روحی — بنده اصولاً با این لایحه کمال موافقت را دارم و حقیقتاً می توانم بگویم این هم یکی از خدمات برجسته شخص دکتر میلسپو به اقتصادیات مملکت است ولی از یک جمله استفاده می کنم که در این موقع که دولت یک همچو لایحه را آورده است میزان فرع و اصول مباحثه را که در این مملکت جاری است بعرض آقایان برسانم که دولت در این مسئله دیگر ساکت ننشسته و یک اقداماتی بکند. مسئله فرع در دنیا یک اصلی است که یک قرارهائی دارد. صد، هفت سنهای فرع است.

آقا سید یعقوب — عنوان فرع نیست.

روحی — اول لایحه نوشته است تنزیل.

بعضی از نمایندگان — حق الحفظه است.

روحی — خوب بنده هم به عنوان مال المصلحه داخل مطلب می شوم. عرض می کنم موضوع مال المصلحه در مملکت ما از صد و چهل و هشت تا صد و پنجاه گرفته و حداقل آن صد هجده است و این مسئله اسباب بدبختی و فقر و فلاکت را در مملکت ایجاد نموده است تجارت را لطمه می زند. دهات را مخروبه گذاشته است.

در یک مملکتی (که واقعاً می توان گفت ایران یک موزه ایست از طبیعت) نه یک موزه اش دست خورده و نه یک شرکت اقتصادی در این مملکت تشکیل یافته و نه دارای یک وسایط نقلیه است. اشخاصی که یک مقدار پولی دارند یا بعنوان حق الحفظه یا مال المصلحه سردم را می چاپند و یک دینار هم به دولت نمی دهند دفاتر شان را باز کنید به بینید این وزیر مالیه در قلم مالیات مملکتی یک دینار از این بابت به دولت می دهند؟ دولت باید یک ترتیب صحیحی در این کار اتخاذ کند و اصولاً یک قانونی بیاورد که در مملکت پیش از

صدی دوازده معامله نشود و این حداکثر باشد اگر این مسئله درست شود عنقریب است که دهات مخروبه آباد شود تجارت راه می افتد. ممکن است شرکت های اقتصادی تشکیل پیدا کند و بعلاوه مردم هم استفاده کنند والا با این وضعیت بنده عقیده ام این است مملکت دارد رویه نیستی می رود و اگر جلوگیری نشود اسباب زحمت می شود. هزار تومان بگذاریم به صدی بیست و چهار به بینید فرعی در ظرف ده سال چقدر می شود تمام پول طهران را ممکن است به بلعد و تصور می کنم کارها طوری است که دیگر لازم نیست ما مدهانه کنیم و به طور فرمالیته و ظاهر سازی حرف بزنیم. حقایق را باید گفت و دولت هم حقاً باید جلوگیری کند و این اولین مرحله ایست که دولت در همین مورد باید اطمینان بدهد به یک نفر بنده که وکیل هستم و می دانم مردم چه زحمات و چه تجسواتی در این راه دارند برای جلوگیری از این کار والا بنده با این لایحه کمال موافقت را دارم.

رئیس — آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده گمان می کردم این لایحه که آمد به مجلس بایک هلهله و شادی نمایندگان این قانون را قبول می کنند و ابداً وارد هیچ مطلبی نمی شوند و زودتر بدبختی سردم که گرفتار این دکدهای سارقین هستند خاتمه داده می شود بنده در دوره چهارم در نظر دارم که موضوع بحث در کلیات این بود که آیا بایستی به همچو اساسی مجلس رأی بدهد یا نه؟ بعد اگر کسی نظری در سواد و جزئیاتش دارد صحبت کند. کلام در نفی و اثبات است که آقا دولت همچو مؤسسه را تشکیل بدهد یا نه؟ این معنی بحث در کلیات است مثلاً آقایان عقیده شان بعضی این است که این مؤسسه نافع است از برای مملکت بعضی معتقدند که نافع نیست. باید در این بحث نمایند که آیا باید اساساً دولت همچو مؤسسه را تشکیل بدهد یا نه از این جهت بنده تصور می کنم همانطور که همکار محترم آقای روحی اظهار موافقت کردند و در اساس موافقت مجلس هم گمان می کنم در اساس موافق باشد مسئله دیگر اینکه مجلس شورای ملی هیچوقت نمی تواند وارد شود در فرع و بگوید صد دوازده یا صد سیزده است ما نمی توانیم داخل شویم ...

روحی — چرا نمی توانیم؟

آقا سید یعقوب — ابداً نمی شود در مجلس گفت. بنده آخوند هستم شما هم آخوندزاده هستید ما نمی توانیم چنین حرفی را بزنیم و نمی توانیم برخلاف صریح آیه قرآن در مجلس رفتار کنیم. خود دولت خود کمیسیون بودجه تمام این را در تحت نظر گرفته اند. کلام در این بود که یک مؤسسه هائی در این طهران تأسیس شده است و به یک ترتیباتی هستی مردم را به یک قیمت های ارزانی جلب می کنند. قالیها، جواهرها، و آنوقت سر چهار روز حراج می کنند و خانه مردم را خراب می کنند. دولت مدت ها است در این خیال بود که کمکی به مردم بکند و جلوی خانه خرابی مردم را بگیرد. این است که بنده دولت را تبریک می گویم به این عملش که موفق شده است دولتی که بنده حقیقتاً مخالفش هستم و لکن در این عمل موافقم که یک اقدامی کرده است که بلکه بتواند جلو بیچارگی مردم را بگیرد و یک قدم برای اقتصادیات برداشته شود. هیچ همچو عنوانی در بین نیست. اینجا حق الحفظه حق مقوم است. مقومی که در آنجا هست یک حق می خواهد بگیرد. چون عمل مسلم محترم است و به عمل محترم اجرت تعلق می گیرد و این اجرت آن مقوم است که می دهیم عنوان دیگر (آقای روحی) در اینجا نیست و عقیده ام این است که بیش از این مذاکره نکنیم و وارد در شور سواد شویم.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — رأی گرفته میشود بشور در سواد این لایحه. آقایان

موافقین قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد ماده اول.

(به شرح ذیل قرائت شد)

وزارت مالیه سجاز است یک باب مؤسسه رهنی تأسیس نماید. این مؤسسه پس از تصویب بانک دولتی که بموجب قانون علیحده ایجاد میشود یکی از شعب آن بانک محسوب خواهد شد.

رئیس - آقای نوبخت . (اجازه)

نوبخت - اینجا نوشته شده است که این مؤسسه پس از تصویب بانک دولتی که بموجب قانون علیحده ایجاد میشود یکی از شعب آن بانک محسوب خواهد شد ذکر این جمله تصور میکنم لزوم نداشته باشد. البته معلوم است که این مؤسسه بالفعل یعنی الان تا وقتی که بانک تأسیس نشده نمیتواند از شعب آن بانک محسوب شود شنیده بودیم فرع زائد بر اصل اما شنیده بودیم که یک فرعی قبل از اصل خودش وجود پیدا کند. بانکی که وجود ندارد تا این مؤسسه را بشود گنت یک شعبه از آنست بنابراین اظهار اینکه این مؤسسه یکی از شعب بانک موهوم را تشکیل میدهد بنظر بنده یک موضوع خیلی تازه و ابتکاری است. فرض میکنم که میشود گفت این مؤسسه رهنی یک موجود حسی است که جزو یک مؤسسه خیالی یا فرضی است که آن عبارت از بانکی است که شاید تأسیس شود. آنوقت بنده اینجا عرض میکنم که موجود شدن آنرا چطور میشود ملتزم بود زیرا هنوز تصویب نشده بلکه هنوز لایحه آنهم تهیه و پیشنهاد نشده وقتی که تهیه و پیشنهاد شد شاید موجود نشد در اینصورت فعلا این موضوعی که پیشنهاد شده و تصویب شده چه ضرورتی دارد که از حالا ما قید کنیم تاریخ یک موضوع وهمی یا یک مفهومی است که بعدها ممکن است وجود خارجی پیدا کند یا ممکن هم هست اصلاً وجود پیدا نکند؟ بنابراین بمقیده من خوبست این جمله را نگاه بدارند برای وقتی که لایحه آن بانک را میخواهند بیاورند آنوقت در آنجا بنویسند فلان مؤسسه رهنی که تأسیس شده است یک شعبه از شعبات بانک فعلی را که میخواهد تصویب شود تشکیل خواهد داد و یک تصویری هم که بیشتر شباهت به تعقیب دارد در این عبارت هست که مفهوم آن را چون معتقد نیستیم لذا از انتقاد ترکیبی آن صرف نظر میکنم.

سخبر - مقصود از این بانک اساساً چون شاید آقا به اصل منظور کمیسیون و پیشنهاد کننده که دولت باشد بی نبرده اند و اطلاع ندارند این است که باید برای جلوگیری از تکرار.

رئیس - تأمل بفرمائید عده برای مذاکره کافی نیست.

(پس از چند ثانیه دوسه نفر وارد شدند)

رئیس - بفرمائید.

سخبر - مقصود دولت و کمیسیون و مجلس این است که یک بانک بزرگ که این بانکهای رهنی و فلاحتی و غیره در ذیل آن بانک باشند تأسیس کنند که بلکه میتوانیم یک بانک بزرگی با سرمایه عالی در مملکت تأسیس کنیم. وقتی که این مقصود را تصدیق کردیم آنوقت بنده نمیدانم چه ضرری دارد که قبلاً ما در یک ماده که در مجلس میخواهیم بگذرانیم قید کنیم که این مؤسسه هم شعبه آن بانک اساسی است که ما میخواهیم تأسیس کنیم بنده مقصود آقای نوبخت را نفهمیدم که اگر این جمله اینجا باشد چه ایرادی بر آن هست و چه اشکالی وارد میآید. و آیا

مخالفت با نظامنامه دارد؟ به هر حال مقصودشان را که بنده ملتفت نشدم.

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

طباطبائی دیبا - بنده سؤالی دارم.

رئیس - مذاکرات که کافی شده است فرمایشی دارید؟ طباطبائی دیبا - بنده یک سؤالی داشتم. این لایحه دوشور دارد یا یک شور؟ بنده عقیده دارم که این لایحه باید به کمیسیون فواید عامه برود چون این راپورت در کمیسیون بودجه آمده است حالا اگر به کمیسیون فواید عامه هم باید برود باید دوشور داشته باشد.

رئیس - اولاً هر لایحه که به کمیسیون فواید عامه می رود مستلزم دوشور بودن نیست و بعلاوه این مؤسسه دولتی است و ملی نیست که محتاج به راجع به کمیسیون فواید عامه باشد. از همه اینها گذشته اگر به ماده ۹۰ نظامنامه مراجعه بفرمائید این لایحه ایست که تقاضای وجوهی برای مصارف مخصوص شده است و یک شور بیشتر ندارد.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده اول آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم.

(به شرح آتی قرائت شد)

مؤسسه رهنی مزبور بابت قرضه هائی که میدهد نفعی نخواهد گرفت و سالیانه بیش از صدی نه به عنوان حق الحفظه نباید دریافت نماید و وثیقه های قرضه های مزبور اجناس قابل فروش خواهد بود که مبلغ قرضه بیشتر از دو ثلث قیمت حقیقی آن اجناس نبوده باشد.

رئیس - آقای احتشام زاده . (اجازه)

احتشام زاده - بنده نهایت موافقت را با این لایحه دارم و این لایحه را یکی از بهترین لوایحی میدانم که به مجلس آمده است و خیلی مفتخرم که رفیق محترم بنده آقای داور در موقعی که سمت وزارت فواید عامه را داشتند این فکر را کردند و لایحه اش را تهیه کردند ولی تأخیر افتاد تا امروز به مجلس آمد و با فشارهائی که به مردم از بابت بانکهای رهنی وارد میشود خیلی بموقع است این لایحه زودتر تصویب شود و حتی نظریاتی هم که دارم برای اینکه تأخیر نشود عرض میکنم ولی مسأله مهمی بنده را وادار کرد که نظریه اصلاحی خودم را در آن قسمت عرض کنم و آن این است که وجهی که برای این بانک در نظر گرفته شده است وجه صندوق تقاعدی است که از حقوق مستخدمین ادارات دولتی تخصیص داده میشود و با اطلاعی که به وضعیت رتت آورستخدامین دولتی دارم که حقوق خود را تومانی یک قران دو قران میفروشند برای حوائج خود اینجا عدالت را مقتضی می بینم که در اینجا برای همان مأمورین دولتی هم حق بدهند از این مؤسسه که از پول

خودشان است استفاده نمایند.

سخبر - منع نشده اند.

احتشام زاده - آنها به طور کلی منع نشده اند ولی مستخدمین ادارات دولتی مخصوصاً مستخدمین درجات پائین وثیقه شان حقوق اداریشان است و غیر از این شاید وثیقه نداشته باشند و مخصوصاً با وضعیت فعلی یعنی در اثر تصویب قانون استخدام حقوق آنها یک طوری است که تزلزل ندارد و مستخدمین یک حقوق معینی دارند و خیال میکنم باعتبار حقوق گذشته خود باید مستخدمین میتوانند از این بانک بدون وثیقه قرض نمایند یعنی وثیقه حقوقشان باشد چون دیده میشود که حقوق مستخدمین و اعضاء ادارات یکماه و دو ماه عقب می افتد و آنوقت این بیچاره عضو اداره وثیقه ندارد بدهد پول بگیرد ولی باعتبار حقوقی که از دولت طلب دارد و به او داده خواهد شد و ممکن است مدتی طول بکشد ممکن است از این مؤسسه استقراض نمایند این است که بنده استدعا میکنم آقایان توجهی بفرمایند و حق بدهند به مستخدمین دولتی که لافل باعتبار حقوق گذشته که طلبکارند بتوانند از این مؤسسه استفاده نمایند.

رئیس - آقای فاطمی . (اجازه)

فاطمی - البته این فکر آقای احتشام زاده یک فکر خیلی خوبی است ولی بنده تصور نمیکم جایش در این موقع و این لایحه باشد این لایحه همانطور که تذکر دادید در اثر فکر همه نمایندگان محترم است این لایحه برای تأسیس مؤسسه رهنی است که یک شعبه از بانک دولتی است که در آتیۀ نزدیکی لایحه آن به مجلس تقدیم خواهد شد و فعلاً این مؤسسه فقط مؤسسه رهنی است. بفرمائید راجع به مستخدمین دولتی خوب است اگر از بابت حقوق آتیۀشان یک اشکالاتی هست حقوق گذشته شان را تضمین و وثیقه بدهند و پولی دریافت دارند بنده آنچه اطلاع دارم مستخدمین دولتی از حقوق گذشته چیزی طلبکار نیستند و حتی یک معوقه هائی هم که از سنه ایت ثیل و قبل از تصدیق کمیسیون امریکائی بود پرداختند که خیلی کمک برای بعضی ها شد که هیچ امید وصولش را هم نداشتند و اخیراً تمام پرداخته شد من جمله وزارت عدلیه بود که شش برج در یک مرتبه پرداختند البته ممکن است ترتیبی که آقای احتشام زاده پیشنهاد میکنند این را یک تذکری دانست. آقای وزیر مالیه هم تشریف دارند و این تذکر را ممکن است در موقعی که لایحه اساسی بانک را میاورند در آنموقع یک تسهیلاتی هم راجع به مستخدمین دولتی در آنجا بشود و ترتیبی بنمایند که اگر مستخدمین راجع به یک ماه یا دو ماه حقوق مساعده خواست باچه شرایطی میتواند از آن بانک بگیرد والا اساساً نمیتوان در اینجا حقوق را وثیقه استقراض از بانکی که اسمش رهنی است قرارداد. اینجا جایش نیست.

وزیر مالیه - همانطور که آقای فاطمی اظهار کردند و خاطر آقایان مسبوق است از بابت حقوق گذشته کلیه طلبهای مستخدمین تصفیه شده و برای آتیۀ هم امیدواریم که هیچوقت پرداخت حقوق از آخر ماه نگذرد و در اینصورت البته با اینکه حقوق آنها در آخر

ماه می رسد دیگر محلی باقی نخواهد بود که حقوق خود را گرو بگذارند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است؟

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است.

آقاسید یعقوب - در تبصره باید حرف زد. بنده با آن مخالف هستم.

رئیس - تبصره قرائت میشود بعد پیشنهادات واصله خوانده میشود.

(اینطور قرائت شد)

تبصره - مبلغ قرضه از چهارصد تومان تجاوز نکرده و به هر شخصی فقط یک مرتبه داده خواهد شد.

آقاسید یعقوب - بنده عرض دارم.

سخبر - اینجا یک تصحیحی دارد اینطور تصحیح بفرمائید که مبلغ قرضه از چهارصد تومان تجاوز نکرده و به هر شخصی مادام که قرض خود را نپرداخته است فقط یک مرتبه داده خواهد شد.

آقاسید یعقوب - مخالفت من همین بود.

رئیس - با اینطور که آقای سخبر اصلاح کردند مخالفی نیست؟

(گفته شد خیر)

رئیس - جزو ماده است بعد رأی میگیریم.

نوبخت - بنده با تبصره مخالفم.

رئیس - مذاکرات کافی شده است. پیشنهاد آقای بهبهانی.

(به شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد مینمایم حق الحفظه مرقوم در ماده دوصدی شش مقرر شود ببهبهانی.

رئیس - آقای بهبهانی . (اجازه)

بهبهانی - بنده در این ماده در کمیسیون بودجه هم این پیشنهاد را کردم یک مقداری هم در اطرافش مذاکره شد ولی آنجا تصویب نشد این است که اینجا پیشنهاد خودم را باز تکرار میکنم و عقیده بنده این است که چون این مؤسسه یک مؤسسه ایست که تقریباً نظر آقایان نمایندگان و هیئت دولت راجع به این مؤسسه این است که برای فقراء و ضعفا یک راهی باز شود و علاوه بر این برای جلوگیری از مؤسسه های دیگر که مبالغ زیادی از مردم نفع میگیرند از آنها جلوگیری شود البته بنده وقتی نگاه میکنم به این مقصود می بینم صدی نه در اینجا مقرر شده است در حالتی که اول صدی دوازده بود بنده صدی نه را هم زیاد میدانم برای اینکه راست است که این مؤسسه یک مخارجی دارد ولی چون این مؤسسه یک مؤسسه ایست که برای رفاهیت مردم تشکیل شده و دولت نظر انتفاعی از این مؤسسه ندارد بنده تصور می کنم صدی شش کافی است که این مؤسسه حق الحفظه بگیرد و حق الحفظه هم هست که برای نگاهداری اشیاء مردم است و پیش از این کجایش ندارد. رئیس - آقای بیات . (اجازه)

مرتضی قلیخان بیات - عقیده بنده این است در این موضوعات و مؤسسات باید طوری دقت کرد که حقیقتاً عملی بشود و برای مردم و دولت و مملکت از همه طرف ملاحظه بشود. اگر آقا دقت بفرمایند همینطور که مذاکره شد این حق الحفاظه که به عناوین مختلف گرفته میشود شاید صدی بیست و صدی بیست و پنج و صدی سی هم شاید بیشتر باشد و همینطور که اظهار فرمودند تأسیس یک چنین مؤسسه برای دولت مخارج دارد و باید دولت هم از عهده مخارج اینکار برآید و یک طوری هم باشد که ممکن باشد سایرین را هم به همین میزان وادار کنیم. وقتی بنا شود خیلی کسر کنیم عملی نیست و سایرین هم ممکن نیست به این میزان بدهند اما وقتی یک میزان معتدلی شد ممکن است کم کم باعث شود که سایرین هم به همین میزان معامله کنند که اسباب سهولت امر شود و رفاهیت عموم فراهم شود در کمیسیون هم این مذاکره شد و بالاخره توافق نظر اینطور حاصل شد که صدی نه امروز برای مردم و دولت بهتر و عملی تر است.

رئیس - (خطاب به آقای مخبر) عقیده کمیسیون چیست؟

مخبر - بسته برای مجلس است.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بیهبانی آقایان موافقین قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای میرزا یداللهخان.

(به شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم حق الحفاظه صدی هفت معین شود.

نظامی - آقایان تصدیق میفرمایند که این مؤسسه برای اشخاص بی بضاعتی است که تقریباً آنطوریکه بنظر بنده میرسد خیلی اهمیت دارد و تصور می کنم اگر صدی هفت باشد یک رعایتی از فقرا شده باشد زیرا این مؤسسه برای اشخاص بی بضاعت است اشخاص غنی محتاج به این مؤسسه نخواهند بود از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که اسباب رفاهیت مردم باشد.

رئیس - آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی - بنده یکمرتبه دیگر این مسأله را تذکر دادم حالا هم عرض میکنم این لایحه که آمد به کمیسیون هیچجه نفر از آقایان محترم در آنجا بودند - موضوع صدی شش هم در آنجا صحبت شد شاید یکی اشخاص که صدی شش میل داشت بشود خود بنده بودم و عقیده ام هم صدی شش بود ولی بعد یکدلائل و اظهاراتی رئیس کل مالیه کرد و معایبی ذکر کرد که صدی شش اگر از یک طرف اسباب رفاهیت یک عده ایست از طرف دیگر دارای یک معایبی است. از کجا معلوم است که این مؤسسه هائی که فعلا هست نروند و صدی شش را از اینجا قرض نکنند و بعد مخفیانه به صدی هیجده و صدی بیست و چهار یا بیشتر به مردم ندهند؟ بنده تصور می کنم که این صدی نه از روی دقت نوشته شده و ملاحظاتی تمام اطراف شده و دیگر ما نباید وقت مجلس را بیش از این تلف کنیم.

رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟

(به شرح ذیل قرائت شد)

رئیس - مقصود این است که کلمه منقول مابین کلمه اجناس و قابل فروش اضافه شود.

آقا سید یعقوب - باشتاب و عجله بنده مخالفم - اجازه بفرمائید رئیس - حالا که نخواستیم رأی بگیریم !! - آقای بیات (اجازه)

مرتضی قلیخان بیات - عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب - (اجازه)

آقا سید یعقوب - گمان میکنم آقای امین تشریف نداشتند در کمیسیون همین مسئله محل بحث واقع شد که اینجا نوشته شود (منقول) ، بملاحظه رفاهیت حال مردم یک کلمه را اخذ کردیم که این کلمه (قابل فروش باشد) و نظرم این بود که به حال مردم اصلاح است و بعقیده بنده این عبارت بهتر است و اشکالی هم ندارد.

مخبر - چون آقای آقا سید یعقوب بکمیسیون اشاره کردند عرض می کنم در کمیسیون هم نظر یک کلمه منقول بود - یعنی باستثناء ملک - حالا نمیدانم اگر آقای آقا سید یعقوب عقیده شان بر این است که هر چیز را غیر از ملک قبول کنند که عبارت ساده کافی است والا بنده تصور میکنم که اکثریت اعضا کمیسیون این سنت را قبول کنند و بنده هم می پذیرم .

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد -

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - مؤسسه رهنی مزبور بابت قرضه هائیکه میدهد نفعی نخواهد گرفت و سالیانه بیش از صدی نه بعنوان حق الحفاظه یا مال الاجاره نباید دریافت نماید و وثایق قرضه های مزبور اجناس قابل فروش یا املاک و مستقالاتی خواهد بود که در دفاتر ثبت اسناد ثبت شده باشد - مبلغ قرضه بیشتر از دوثلث قیمت حقیقی آن اجناس یا املاک و مستقالات نخواهد بود .

بامداد - در لایحه که دولت آورده بود یا مال الاجاره داشت

(بعنوان حق الحفاظه - یا مال الاجاره) آنجا نظر کمیسیون باین رفت

که شاید بعضی ملاکین بپایند و املاکشانرا در این بانک رهینه

بگذارند و مبالغی بگیرند و منظور که نفع قراست از بین برود باین

نظر کلمه حق الحفاظه را قبول کردند - بعد از آن پیشنهاد شد که

مبلغ قرضه چهارصد تومان بیشتر نباشد و چون این قیدهست بنده یک

نظری پیدا کردم اصل این بانک برای چه تأسیس میشود برای

اینکه مردم از شر این مؤسسات یا این اشخاص که در خانهاشان

قرض میدهند خلاص شوند یک بقالی را فرض کنید یا یک نفر سقظ

فروش را که قرض دارد بتاجر مثلاً فقط خریده قند خریدم و عدش

هم رسیده نمیتواند بدهد - یک خانه دارد یا یک دکان - اگر نظر

برفاهیت است باید قبول کنند که این شخص خانه یا دکانش را

گرو بگذارد و پول بگیرد و پس از فروش با حق الحفاظه صدی نه پس

بدهد اگر نظر رفاهیت است باید همه را در نظر داشت بنده نظرم

باین نبود که هر کس هر ملکی را بیاورد و گرو بگذارد زیرا بچهارصد

تومان محدود است پس باید این طبقه را هم مراعات کرد و واقعاً

سی و دو تومان بگیرند. اگر مراجعه بوضعیت رقت آور تمام مملکت بفرمائید می بینید فقط یک عده خوشبخت دور ادارات مملکت جمع شده اند (بعضی از نمایندگان صحیح است) ادارات وضعیت رقت آور ندارد. وضعیت رقت آور مملکت را ملاحظه بفرمائید. بعلاوه بفرمائید اینها حقوقشان را وثیقه قرار بدهند فلان مرد که هم که چادر زنش را میاورد گرو بدهد چه تفاوت دارد با فلان بقال یا فلان سبزی فروش یا فلان تاجر یا فلان سلاک که سرود اسباب خانه و زینت آلات یا تنگ سماورش را میاورد گرو میگذارد برای اینکه اعاشه نماید چه فرقی دارد با آن مستخدم اداره در صورتی که هیچ سمری هم ندارد و به آخر ماه خودش هم اطمینان ندارد.

باز این مستخدم فکر می کند که بیست روز دیگر به او حقوق میدهند ولی آن بیچاره فکر میکند که فردا چه طور نان پیدا کند بخورد. پس اگر آن مستخدم هم اسبابی دارد بیاورد و بگذارد و همان طور که یک سبزی فروش می آید و وضعیت رقت آورش را تأمین می کند همین طور آن یک نفر مستخدم دولت هم بیاید و همین کار را بکند. و اینکه فرمودید از دولت طلب کارند و بیایند استفاده کنند اینجا میخواستم بنده هم موافقت نظری با حضرتعالی پیدا بکنم. دولت اشخاصی را که از خزانه اش طلب کارند باید یک چیزی در نظر بگیرد و یک مبلغی از بقیه وجوه تقاعد از مجلس اعتبار بخواهد برای اینکه این وجوه تقاعد که دو خمسش باقی میماند صد هزار تومان از بقیه این وجوه را برای این کار تخصیص بدهد که به آنها مساعدت کنند. اما از این مؤسسه میخواهیم تمام اهل مملکت بالتساوی استفاده کنند.

وزیر مالیه - یک توضیحی عرض کنم بیانات آقای شیروانی کاملاً صحیح است در باب وجوهی که دولت از بابت حقوق معوقه باید بدهد مبلغی در بودجه خودش منظور کرده و اسسال هم قریب سیصد هزار تومان داده و باز هم خواهد داد.

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای احتشام زاده آقایان موافقین قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای حاج سید حبیب الله امین.

(به شرح ذیل قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی. بنده پیشنهاد می کنم که در ماده دوم بجای وثیقه های قرضه های مزبور اجناس قابل فروش خواهد بود. نوشته شود: وثیقه های مزبور اجناس منقول خواهد بود.

حاج میرزا حبیب الله امین - در اینجا نوشته شده وثیقه های قرضه های مزبور اجناس قابل فروش خواهد بود در این یک تبیعی میشود که یک قسمت از اجناس مردم را قابل فروش تصور می نمایند و قسمت دیگر را غیر قابل فروش. تصور میکنم بهتر این است نوشته شود اجناس منقول چون اجناس منقول قابل فروش است و تبیعی هم حاصل نمیشود.

مخبر - مجدداً بخوانند.

اگر تحصیل دار فلان تاجر بیاید و بفلان کاسب بگوید که سیصد تومان که موعدهش رسیده بدمه اگر نداشته باشد بدهد و رشکست میشود و یک غایله از بین می‌رود چه ضرر دارد که ما این را قبول کنیم که او هم از بین نرفته باشد. و در ضمن ثبت اسناد هم ترویج شده باشد چون قید میشود که هر ملک مستقلی را قبول نکنند که اسباب زحمت دولت بشود بلکه آن ملک و آن دکانی را که به ثبت اسناد رسیده باشد میگیرند و چهار صد تومان میدهند یکی دیگر اینکه بنده بعضی کلمات را تصحیح کردم ولی نظرم در اصل ماده بهمین عرض بود که کردم ولی در عبارت بنده کلمه مال الاجاره را اضافه کردم بعضی کلمات دیگر هم دارد که بقول معانی بیانیها متابع و اضافات زیاد میشود سلیس هم نیست (اجناس قابل فروش خواهد بود که مبلغ قرضه) غیر مربوط است لهذا اینها را بنده باین شکل اصلاح کردم که ساده درست بشود ولی در اصل مطلب خیلی مقیدم و استدعا دارم آقایان نظری هم باین قسمت و طبقه بفرمایند - عبارت را خوردشان میداند هر طور میخواهند اصلاح فرمایند.

سخنبر - راجع بملاکین و اشخاصی که فرمودید - ما هم تصدیق میکنیم که گاهی یک مقطع‌هایی پیدا می‌کنند و باید استقراض کنند و دولت هم باید به آنها کمک‌هایی گاهی بکند - ولی البته اطلاع دارند که چهار صد تومان برای یک نفر ملاک که میخواهد ملک گرو بگذارد کم است و نمیدانم چه اصلاحی در امور او میشود؟ و در هر صورت در لایحه بانک فلاحی که دولت بزودی می‌آورد این نظرها در آن لایحه تأمین خواهد شد و در اینجا ملاحظه بفرمایید یک مؤسسه رهنی که ما میخواهیم نصفش را هم بفرستیم بولایات نصف این پول را که ساجداً اکثرش را هم فرض کنیم منتهی چهار صد هزار تومان میشود و این برای آن اشخاص است که یک تومان و پنج تومان و ده تومان و دوازده تومان و پانزده تومان میخواهند قرض کنند و یک قالیچه گرو بگذارند ما میخواهیم یک مؤسسه ایجاد کنیم که این مؤسسه‌ها مردم رانچاپند و اینطوری که جناب عالی میفرمائید ممکن است یک نفر آدمی دارای چهل دکان باشد و دارای چندین بصر و قوم و خویش هم باشد این دکا کین خود را یکی یکی گرو بگذارد و چهار صد تومان هم بگیرد و بالاخره ده هزار تومان پول بگیرد. ما برای این شخص که ملک دارد و مستقل دارد نمیخواهیم این کار را بکنیم بلکه برای همان اشخاص است که بقول آقای اشاره با آقای احتشام زاده (در آخر ما معطل میمانند و حقوقشان دیر میرسد و اشیائی میخواهند گرو بگذارند و اعاشه نمایند و بالاخره این فکر را آقای بامداد خوب است در بانک فلاحی اعمال نمایند.

وزیر مالیه - خاطر محترم آقای بامداد و سایر آقایان نمایندگان محترم مستحضراست که در آن بانک فلاحی و تجارتهای رعایت این مسائل شده است و در آنجا مخصوصاً قید شده است و برای اشخاصی که میخواهند ملک گرو بگذارند برای اصلاح فلاحی یک ترتیباتی رعایت شده است.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بامداد آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو.

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد می‌کنم ماده دوم مؤسسه رهنی این قسم اصلاح شود ماده دوم - مؤسسه رهنی سزبور بابت هر قرضه که میدهند نفعی نخواهد گرفت و فقط بمأخذ صدی نه در سال بعنوان حق الحفظه محسوب و مزید بر اصل قرضه نموده در مقابل مجموع مبلغ قرضه و حق الحفظه اجناس قابل فروش بوثیقه گرفته خواهد شد که قیمت حقیقی آن در موقع استقراض نسبت بمجموع مبلغ قرضه یک ثلث علاوه باشد.

ارباب کیخسرو - اصلاحی که بنده کرده‌ام در واقع آن چیزی که در اصل ماده تفاوت حاصل شده است این است که پیشنهاد کردم حق الحفظه هم بر اصل قرضه مزید شود و آن وثیقه که گرفته میشود وقتی که تقویم میشود یک ثلث تفاوت با اصل مبلغ و حق الحفظه روی هم داشته باشد - چون ممکن است طول مدت قرضه یک وقتی بقدری شود که آن یک ثلث اکتفا نکند برای استهلاك آن از این جهت بنده اینجا پیشنهاد کردم که حق الحفظه مزید شود بر اصل و یکی هم اینجا که نوشته‌اند سالیانه بنده اینطور بنظر میرسد این یک قدری دلالت می‌کند بر اینکه مدت باید طولانی باشد اگر مدت طولانی شد باید سالیانه حساب نمایند از این جهت بنده در اینجا نوشتم که در سال بمأخذ صدی نه گرفته شود و این روشتر می‌کند مطلب را - مدت هر چه باشد از روی مأخذ سال میگیریم (نه اینکه حکما سال از آن قرضه گذشته باشد) تا بتوان از روی آن مأخذ سال حساب کرد. و یک قسمت دیگر هم در تبصره هست که هنوز خوانده نشده است چون بنده آن پیشنهاد را قبلاً داده بودم و خود آقای سخنبر آن را قبول کردند که اصلاح نمایند

مرتضی قلیخان بیات، مجدداً قرائت شود.

(بشرح سابق خوانده شد)

سخنبر - چون این پیشنهاد را بنده قبلاً دیدم و دونکنه که آقای ارباب در نظر گرفته‌اند و یک عده از اعضاء کمیسیون راهم مطلع کردند و آنها هم اظهار موافقت کردند ولی آن کلمه (محسوب) تصور میکنم (ماخوذ) باید باشد اگر این اصلاح بشود بنده هم می‌پذیرم. اینطور شود (مؤسسه رهنی مذکور بابت هر قرضه که میدهند نفعی نخواهد گرفت و فقط بمأخذ صدی نه در سال بعنوان حق الحفظه ماخوذ الی آخر.

وزیر مالیه معلوم است که سالیانه بیش از صدی نه همان منظور را میسراند و اینکه فرمودند حق الحفظه را ضمیمه بکنند با اصل مبلغ و در سال ماخوذ دارند این مسئله هم بدیهی است و لابد پس از یک مدتی که از سال گذشت این اسباب و اشیاء منقول را که گرو میگذازند اگر در نیابند مطابق نظامنامه حراج خواهد شد مثلاً ملاحظه بفرمائید اگر صد تومان بکسی داده شود نه تومان حق الحفظه خواهند گرفت و البته یک چیزی باید صد و سی تومان ارزش داشته باشد تا بتوانند بصد تومان قبول نمایند و این رعایت از اول شده است و تصور میکنم دو سال هم که این مال بماند کفایت می‌کند و اگر بعد از دو سال نیامد ناچار باید حراج کنند زیرا نمیشود

بیش از این نگاه داشت.

رئیس - آقای بیات (اجازه).

مرتضی قلیخان بیات - اینجا در این پیشنهادی که آقای ارباب فرمودند دواشکال بنظر می‌رسد یکی همان قسمتی که آقای وزیر مالیه فرمودند - چون در کمیسیون نظر این بود که اسباب رفاهیت برای مردم بشود و مال دولت و بانک هم تلف نشود و یک ثلث هم اگر کسر نمایند آن یک ثلث در موقع فروش آن اجناس اکتفا برای اصل قرضه و حق الحفظه گذشته آن مینماید و مال دولت هم از بین نمیرود یعنی مدت اگر کم و زیادی پیدا کند و حق الحفظه بر آن تعلق بگیرد از این راه جبران میشود. از این نقطه نظر گفتند یک ثلث که تر باشد و وقتی که یک ثلث کمتر شد حق الحفظه را هم نسبت آن یک ثلث دریافت مینمایند و همان طور که آقای وزیر مالیه فرمودند بالنسبه در یک مدت معینی بانک مجبور است قرار بگذارد که اگر چنانچه صاحب مال نیامد و پول نداد بوسیله حراج و غیره پول بانک برگشت نماید و اگر این شرایط در نظامنامه نشود ممکن است آن اشیاء سی سال بماند و برای دولت اسباب زحمت شود پس وقتی که آن قسمت را اجرا نکنند این قسمت از بین می‌رود بنابراین (ماخوذ) یا (محسوب) هر کدام نوشته شود گمان میکنم بی تناسب باشد و هیچ کدام از این دو کلمه لزومی ندارد.

رئیس - در پیشنهاد کلمه ماخوذ است مزید بر اصل قرضه هم هست و با ماده چهارم این خبر ممکن است تناقض پیدا کند پیشنهاد آقای حایری زاده قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم ماده دوم بمجموع پیشنهادات ارجاع بکمیسیون بشود

رئیس - مخالفی ندارد؟

بیات - بنده عرضی دارم.

رئیس - بفرمائید.

مرتضی قلیخان بیات - چون وقت گذشته و گمان میکنم جلسه هم ختم میشود ارجاع بکمیسیون لزومی ندارد همان اعضاء کمیسیون در این ماده و پیشنهاداتی که شده دقت میکنند و برای جلسه آتی نتیجه

را اظهار میکنند.

رئیس - نتیجه فرق میکند - (خطاب با آقای حایری زاده).

شما هم موافقید با اظهار آقای بیات یا رأی میگیریم؟ حایری زاده - از قرار اظهار آقای سخنبر گویا یک قسمت از پیشنهاد را خیال دارند قبول کنند و این لایحه اصولی است و باید با دقت کامل و فهمیدگی بان رای داد. بنده معتقدم پیشنهادات مجدداً بکمیسیون برود و راپرت ثانوی بمجلس بیاید.

سخنبر - بنده هم تقاضا میکنم برگردد بکمیسیون.

رئیس - بسیار خوب، آقایان موافقت جلسه ختم شود؟

جمعی از نمایندگان - بلی.

رئیس - اخذ آراء نسبت بانتهای کمیسیونها تمام شد، جلسه آتی پنجشنبه آینده سه ساعت و نیم قبل از ظهر. دستور هم بقیه دستور امروز.

شیروانی - بنده راجع بتعیین جلسه عرض دارم.

رئیس - بفرمائید.

شیروانی - چون بعضی از آقایان نمایندگان کارهایی دارند و جلسات ثابتی معین نشده بنده پیشنهاد میکنم هر هفته سه جلسه - شنبه و سه شنبه و پنجشنبه جلسات رسمی مجلس بشود که جلسات ثابتمان معلوم بشود و سایر اوقاتمان را برای کارهای دیگر تخصیص بدهیم.

رئیس - آقای بیات.

بیات - بنده گمان میکنم جلسات ما معلوم است، همان یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه است و دیگر لزومی ندارد تغییر داده شود رئیس - عمل همه تابع حال بر این بوده است و البته مجلس هر موقعی بخواهد میتواند تشکیل بشود ولی علی‌الرسم همین سه روز که عبارت از یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه باشد ایام جلسه مجلس بوده است. فعلاً جلسه را ختم میکنیم و دستور جلسه آینده هم همین خبر کمیسیون بودجه راجع بمؤسسات رهنی خواهد بود.

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی - عبدالامیر منشی - امیر تیمور